

امپریالیسم آمریکا هنوز به روی کار آمدن لیبرال ها در ایران امیدوار است!



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۹۶
چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۷ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

با هشیاری مردم وقاطعیت ارگانهای انقلاب:
توطئه ضد انقلاب
به بهانه «بازگشائی
دانشگاهها» خنثی شد
* ضدانقلابیون، مانوئیستها، لیبرالها و ساواکیها، که میخواستند دیروز «جمهوری اسلامی ایران» را سرنگون کنند، در مقابل دانشگاه پیدایشان نشد!
آخرین توطئه ضد انقلاب، که قرار بود در متن توطئه هفتم آمریکا، به بهانه «بازگشائی دانشگاهها» انجام شود، با هشیاری مردم و قاطعیت ارگانهای انقلاب خنثی شد.
گروهکهای آمریکائی - مانوئیستی، لیبرالها و ساواکیها از چند روز پیش اعلام کرده بودند که روز ۲۳ دیماه، دانشگاه تهران را باز خواهند کرد و بقیه در صفحه ۷

* تاکتیک دوگانه مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب، امپریالیسم آمریکا را مردم انقلابی و آگاه ما شناخته اند و آماده اند که با مقاومت متحد خود هر دو تاکتیک اهریمنی امپریالیسم آمریکا را با شکست روبرو سازند.

به گزارش «خبرگزاری آسوشیتد پرس»، ریگان، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده آمریکا، در لوس آنجلس اظهار داشته است که وقتی روی کار آید، «اول روشن خواهد کرد که آیا واقعا دولتی در ایران وجود دارد یا نه»
ریگان، در مصاحبه ای دیگر با هفته نامه آمریکایی «دیوایس» نیز اندر ورلد ریپورتر، گفته است:
«من شك دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد، و افزوده است: «برقراری رابطه با ایران وقتی ممکنست که عناصر میانه روتی در ایران روی کار آید»
گفته های نامبرده بار دیگر این حکم را ثابت میکند که، امپریالیسم آمریکا، بقول «تایمز» (لندن)، در انتظار «تفسیر توازن نیروها» در داخل ایران است.
این تاکتیک بیچ روی در سیاست آمریکا در قبال ایران، چه در آستانه پیروزی و چه پس از آن، تا زگی ندارد. دشمن اصلی انقلاب و دشمن شماره یک بشریت، هدف اصلی سیاست خود را دموکراسی بر روی براندازی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و بازیافت سنگرهای از دست داده در میهن قرار داده است و برای پیشبرد این هدف بنیادی خود، از هر شیوه و وسیله و تاکتیک بهره جسته و میجوید. شیوه های براندازانه امپریالیسم آمریکا در برابر انقلاب ایران، صرف نظر از تنوع اشکال، در واقع، در تاکتیک دوگانه مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب، خلاصه می شود - تاکتیک که از نخستین لحظات لرشش تاج و تخت «آریامهری» آغاز گشت و تا به امروز نیز ادامه دارد.

یکی از نمونه های مشخص این تاکتیک را در «دعاهای سالیوان - برژینسکی» پیش از پیروزی انقلاب دیدیم، که جانبازی بر سایه مردم ایران در سرنگونی رژیم وابسته و مستبد محمدرضا نقش هر دو طرف «دعوا» را بر آب کرد.
اما پس از انقلاب نیز، امپریالیسم آمریکا، در عین این که کوشیده است تا با دست یازی به خشن ترین وسیله ها، انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران را براندازد، به عناصر با اصطلاح «میانه رو» نیز چشم و دل بسته است. در این گستره، باید بویژه به نقش «دولت موقت» اشاره کرد، که (بگواه اسناد منتشره) نه تنها جاسوسان «سیا» و شیفتگان «شیوه زندگی آمریکایی» در آن از سمت های حساس برخوردار

پیروزی های جدید نیروهای مسلح انقلاب در جبهه های جنوب و غرب

رزمندگان انقلاب در جبهه های جنوب و غرب، همچنان تجاوزگران صدامی را در زیر ضربات کوبنده خود گرفته اند. در ۲ روز گذشته نیز پیروزی های دیگری نصیب نیروهای مدافع انقلاب جمهوری اسلامی ایران شد.
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۷۲ خود، بخشی از این عملیات را در روزهای ۲۱ و ۲۲ دی، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است:
«۱- در منطقه گیلان قرب، ۳ دستگاه تانک، ۱ دستگاه نفربر زرهی، ۱ دستگاه خودرو نظامی و ۱ قبضه توپ پدافند هوائی شیلکا و تعدادی از سنگرها و خمپاره - اندازه های دشمنان انقلاب اسلامی را در روزهای ۲۱ و ۲۲ دی، در ۲۰ نفر از مزدوران اسیر شدند. در جبهه های جنوب، ۳۲ تن از مزدوران کشته شدند.»
باتلاش مدافعان اسلام و پشتیبانی عملیاتی هوایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) بکلی نابود شد و ۳ دستگاه تانک ارتش عراق به غنیمت گرفته شد و ۳۰ تن از سربازان صدام اسیر و تعدادی کشته و یا زخمی شدند.
۲- در ارتفاعات میما، درگیری با دشمن مزدور جریان داشت و بقیه در صفحه ۲

حزب توده ایران در مراسم تجلیل شهدای جنگ شرکت میکند

ارگانهای انقلابی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، برای ۱۰۰ پاسدار قهرمان انقلاب اسلامی، که در جبهه اهواز به شهادت رسیده اند، بعد از ظهر امروز، مراسم یادبودی برگزار خواهند کرد.
در این مراسم، که به دعوت «انجمن اسلامی لیستیکی نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران» برگزار میشود، سپاه پاسداران، هیئتهای ۷ نفری، بسیج مستضعفین، جهاد سازندگی و دیگر نیروها و ارگانهای انقلابی شرکت خواهند کرد.
حزب توده ایران، که گروهی از بهترین فرزندان خود را در جبهه های نبرد باتجاوزگران صدامی تثار انقلاب ایران کرده است، شهدای جنگ راه شهدای همه خلق میداند و لذا همه اعضا و هواداران حزب را فرا می خواند که در مراسم بزرگداشت پاسداران شهید، که مانند دیگر شهدای انقلاب، در راه دفاع از میهن انقلابی ما جان خود را از کف داده اند، شرکت کنند.
مراسم یادبود شهدای قهرمان، ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر امروز، در خیابان پیروزی، فرماندهی لیستیکی نیروی هوائی، انجمن اسلامی لیستیکی نیروی هوائی، برگزار خواهد شد.
دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۳۵۹۱۰۲۳

در صفحات بعد
راه حل بحران از نظر آقای
«بدین امید»
صفحه ۷
کارنامه ۱۸ ماهه سیاست خارجی
لیبرال ها (۲)
صفحه ۲
محاكمة گردانندگان
انقلاب فرهنگی در چین
صفحه ۸

در پی حملات گسترده نیروهای مسلح خلق، از صبح دیروز
اعتصاب عمومی در سراسر
السوادور آغاز شد
صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام موسوی خویی‌ها برگزار شد، یکی از نمایندگان تاکید کرده که انقلاب ایران بطور مستقیم با امپریالیسم آمریکا روبرو شده است.

اولین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز، دکتر اخوتیان، نماینده ساری بود که در ارتباط با مسائل انقلاب سخن گفت. وی ضمن اشاره به مشارکت گروهها، جمعیت‌ها، ادیان... مختلف در به‌ثمر رسیدن انقلاب گفت:

«حقیقت همه این‌ها در حکومت مشارکت داده می‌شوند. مردم بسا سرنگونی رژیم شاه می‌خواستند يك حکومت مردمی سرگاز آورند و از این حکومت انتظار داشتند که به همه امکان مشارکت در امور را بدهد.»

وی سپس افزود: «ایادی شامسابق و ایادی حکومت‌های امپریالیستی می‌کوشند کاری کنند که دوره تخریبی انقلاب طول بکشد و ما به دوران سازندگی نرسیم. این‌ها باعث شده که بعضی‌ها بر سر کار بیایند و با ایجاد اشکالات در مراکز مختلف، امور را به تعویق اندازند. در شهرستانها وضع ناجور و ناامنی بوجود آمده است.»

به‌عنوان نمونه در ساری شده‌ای شروع به قتل و غارت کرده‌اند.

ناطق آنکاه، ضمن اشاره به قتل یکی از دانشجویان در ساری، گفت:

«در سراسر شمال ما این مسائل را می‌بینیم. عدم امنیت در نقاط مختلف به چشم می‌خورد.»

نماینده ساری در ادامه سخنان خود، ضمن اشاره به نقض قوانین و یکسازي افراد سالم و روی کار آوردن مجدد ساراکی‌ها در اداره‌ها، خواستار برخورد جدی با این مسائل شد. او در پایان سخنان خود به مشکلات حوزه انتخابیه خود اشاره کرد.

یات، نماینده ماسنجان، دومین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز، درباره مسائل مختلف، از جمله ویرانگیها و برجستگیهای انقلاب ایران سخن گفت. وی در قسمتی از سخنان خود اظهار داشت:

«دشمنان انقلاب کوشیدند خطی در مقابل خط امام و مسئله‌ای در برابر امام بوجود آورند.»

یات سپس اضافه کرد: «انقلاب ما يك ویرنگی دارد که

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ایادی امپریالیسم مانع از رسیدن انقلاب ایران به دوران سازندگی شده‌اند

یکی از نمایندگان مجلس خواستار مشارکت همه گروهها و جمعیتها در امر حکومت شد

آن همگانی شدن انقلاب است. یعنی ملت ما از کودتا پیر در خط انقلاب قرار گرفته‌اند. ویرنگی دیگر بهیریت امام

و پس از آن نقش روحانیت در انقلاب است.

ناطق گفت: «انقلاب ما بطور مستقیم با امپریالیسم آمریکا روبرو شده و خرخره کارتر و ریگن را گرفته تا روزی که آن را قتل دهد و آن‌ها را خفه کند. ویرنگی دیگر انقلاب ما این است که چهره مخالفان انقلاب یقیناً شناخته شده و معلوم است که چه کسانی با انقلاب درافتاده‌اند.»

نماینده ماسنجان، خطاب به ناطق قبل و با اشاره به مسئله قتل جوان دانشجو گفت:

«این مسئله ربطی به امنیت ندارد. باید ریشه را یافت و دید که چه کسی عدم امنیت بوجود آورده است.»

در اینجا حجت‌الاسلام موسوی خویی‌ها در مورد وضع دانشگاهها توضیحاتی داد و تاکید کرد که انتقادی که در بین این است که این شورای انقلاب فرهنگی کار خود را هر چه زودتر به پایان برساند. وی سپس اظهار امیدواری کرد که دانشگاهها هر چه زودتر باز شوند. نایب رئیس مجلس آنکاه از نمایندگان خواست که از تریبون مجلس علیه کسانی که در مجلس

نیستند که از خود دفاع کنند، سخن نگویند.

آنکاه مجلس وارد دستور شد و امین ناصری، مخیر کمیسیون صنایع و معادن، گزارش مشترک این کمیسیون بر کمیسیون نفت را در مورد اجازه تاسیس موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران قرائت کرد. بر اساس این طرح بعضی از مواد مربوط به تاسیس موسسه استاندارد، که در سال ۱۳۳۹ تصویب رسیده، اصلاح می‌شود. در ارتباط با این طرح، چند موافق و مخالف سخن گفتند. در مورد کلیات این ماده اصلاحی رای گرفته شد و به تصویب رسید. آنکاه مجلس برای تفسیر به مدت یک ربع تعطیل گردید.

پس از پایان تفسیر، جلسه مجلس به ریاست علی‌اکبر پرورش ادامه یافت. وی ضمن سخنانی اعلام کرد که به علت عدم حضور اعضای شورای نگهبان، لوابج دور فوریتی که روز دوشنبه در جلسه مطرح شد، امروز در جلسه مطرح نمی‌شود.

به همین علت جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی در ساعت ۱۱ تعطیل گردید و ادامه بحث در مورد لوابج فوق‌الذکر به جلسه امروز موکول شد.

باهیچ افترائی نمیتوان خلق را در برابر توده‌های هاقر ارداد

برای توجه «حجت‌الاسلام محمد ابوترابی» و گردانندگان «میزان»

که بدینگونه از دولتی پشتیبانی و حمایت کرده باشد... اینگونه پروانه‌وار دور شمع دولت میگردند و خود را در آتی عشق این «یشوای سابق، میوزانتند»

(شاهنده، ۲ تیر ۱۳۳۲) روحانی‌نمایان وابسته‌ای که تضعیف مواضع امپریالیستها و دربار، برایشان از هر «ممیستی» بالاتر بود، در کتخهای شاهی نشسته بودند و دیگران را از خطر کمونیسم و «خطر توده‌ای‌ها» می‌ترساندند و خاک در چشم روحانیت امیل و مردم می‌پاشیدند.

آیت‌الله طالقانی در مورد اینگونه «روحانیون» می‌گوید: «در منزل آیت‌الله بیبانی، که از علماء درباری بود، تمی چند از نویسندگان هم نشسته بودند که به آنها محرو می‌گفتند. در منزل ایشان عده‌ای دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد بود. نویسندگان با جوهر قرمز، به امضای جمعی حزب توده ایران، برای علماء و انبه جماعت سراسر ایران، با پست نامه نوشتند که محتوای آن این بود که «ما بزودی شما را با شال‌های سردن بالای تیره‌های چراغ برق به‌دار خواهیم زد. امضاء حزب توده» آنها آن مطالب را از منزل آقای بیبانی می‌نوشتند و می‌فرستادند.

(ظاهر احمدزاده به نقل از آیت‌الله طالقانی، بخش اول، فصل سوم، کتاب «طالقانی و تاریخ») یکی از نویسندگان که با آیت‌الله طالقانی آشنا بود، برایشان می‌گوید:

«آنقدر تشستم و نوشتم که مدت‌ها بعد از ۲۸ مرداد، انگشتهای ما درد میکرد.» (همانجا)

ما با آنها که آگاهانه عمل میکنند و برای انحراف افکار عمومی از خطر امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیورده‌اش، از «خطر توده‌ای‌ها» سخن می‌گویند، کاری نداریم. ولی آنکس که «لیس روحانیت» دزیر دارد و مدعی «علم و اخلاق اسلامی» است، باید از خود بپرسد که: چرا همزبان امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیورده‌اش شده‌است؟! باید از خود بپرسد که: اگر کسی در «لیاس روحانیت» به حزبی که چهل سال است برای استقلال و آزادی و ترقی ایران خون میدهد و هم‌اکنون فرزندان خفتن در جبهه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌جنگند و جان میدهند، افترا بزند، «علم و اخلاق اسلامی» دارد یا نه؟! و اما این افتراها - چه آگاهانه و چه ناآگاهانه - نخواهد توانست خلق را در مقابل توده‌ای‌ها، که صداقت و وفاداری خود را به خلق و آرمانهای خلق با خون خود به اثبات رسانیده‌اند، قرار دهد. هیچکس در این واقعیت تردیدی نداشته باشد.

تهدید میکند. در اینجا هم باید تمام خلق را برای مقابله با تجاوز نظامی مستقیم و غیر مستقیم آمریکا تجهیز کرد. در هر حال، تاکتیک دوگانه «صیخ انقلاب و سرگوب انقلاب»

فردی بنام «حجت‌الاسلام محمد ابوترابی»، در روز ۲۸ صفر، در قزوین سخنرانی کرده و سخنان وی با آب و تاب در روزنامه «میزان»، مورخ ۲۱ دیماه ۵۹ نیز به چاپ رسیده است. وی پس از اظهار این مطلب که:

«اگر یکتفر لیبی روحانیت داشت، اما اصلا علم و اخلاق اسلامی نداشته باشد، این آبروی روحانیت را می‌برد»

از جمله گفته است: «اگر این توده‌ای‌ها و جریک‌توده‌ای‌ها در قزوین دیدگاه داشتند، امروز در این مجلس خون براه می‌انداختند!»

اظهارات این فرد که «لیس روحانیت» نیز در بر دارد و مدعی «علم و اخلاق اسلامی» نیز هست، در شرایط فعلی بسیار پر مفهوم و گویاست. این اظهارات در اوج تدارک توطئه‌های گسترده امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن و در شرایطی که توده‌ای‌ها در هم‌جا و با تمام قوا در جهت ختنی‌سازی این توطئه‌های خطرناک و پیشبینی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام، میکوشند و علیرغم تلاش برخی‌ها، که درصدد ایجاد تفاهر تفرقه میان صفوف مردم هستند، نیروهای انقلابی و مردم را به اتحاد در مقابل امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی فرامی‌خوانند، بیانگر تلاش نیروها و محافل است که میکوشند، بهر قیمت که شده، از حثیاری خلق نسبت به توطئه‌های ضدانقلاب بکاهند و از اتحاد نیروهای انقلابی ممانعت کنند.

ترویج افسانه «خطر کمونیسم» و «خطر توده‌ای‌ها»، توسط وابستگان امپریالیسم و عناصر ناآگاهی که به این دام خطرناک افتاده‌اند، به‌بجوجه واقعه جدیدی نیست. در آستانه کودتای ۲۸ مرداد نیز که توطئه سرنگونی دولت ملی و قانونی دکتر مصدق، با تمام قوا توسط جاسوسان سیا و عوامل دربار تدارک میشد، جنجال بر سر «خطر کمونیسم» و «خطر توده‌ای‌ها» با تمام قوا توسط تشریفات وابسته‌ای چون «شاهنده»، «آتش»، «تهران مصور»، «خواندنیا» و... دامن زده میشد، تا اذهان مردم از خطر قریب‌الوقوعی که چهار دست و پا توسط همین عوامل تدارک میشد، منحرف شود و بجانب توده‌ای‌ها، که صادقانه و بیگیر از دولت ملی دکتر مصدق، پشتیبانی و توطئه‌های وابستگان به امپریالیسم و دربار را اقسامی کردند، متوجه شود.

در همان زمان که «شاهنده»، تشریبه دکتر مظفر بقائی گرمائی، از عوامل درجه اول کودتای ۲۸ مرداد، ناخواسته اعتراف میکرد که: «باند انقلابی «توده» - تفری، با شدت یابته و حتی تعجب‌آوری از حکومت مصدق دؤع و نگهبانی می‌کنند... آیا از آن هنگام که این حزب خانی وارد فعالیت سیاسی شد تاکنون کسی به یاد دارد

سازمان حزب توده ایران در قروه ۱۰۰۰۰۰ ریال مادر ا. ا. ۱۵۰۰۰ ریال سواد ۳۰۰۰ ریال ر. الف از بابل ۱۲۰۰ ریال حسن از گرسار ۱۰۰۰ ریال آنتون (آلمان غربی) ۱۰۰ مارك هواداران حزب توده ایران در لوس آنجلس ۶۰۰ دلار خانم ر. م. ش. ۵۰۰۰۰ ریال ایمان و آرش از شیرگرد ۶۰۰۰ ریال سازمان حزب در سمنان ۵۰۰۰۰ ریال سازمان حزب در شاهرود ۱۰۰۰۰۰۰ ریال هواداران حزب در کوهنشت لرستان ۵۲۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

توضیح درباره کمک نقدی

در شماره ۴۱۱ نامه «مردم» مورخ ۱۴ دیماه ۱۳۵۹ کمک نقدی سازمان حزب توده ایران در تکابن به جبهه جنگ، ۳۰۰۰ ریال ذکر شده بود، که درست آن، ۳۰۰۰۰ ریال است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آنها در چندان کرده است. ماجراجویی شیطان بزرگ

پیروزیهای جدید...

یا اجرای آتش نیروهای خودی و مقاومت شدید و فداکاری و جانبازی فوق‌العاده دلوران نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، حمله مزدوران درهم شکسته شد و تعدادی تانک سالم از دشمن به‌عقیمت گرفته و شماری از دشمنان اسلام نیز به اسارت درآمدند.

۳- در ساعت ۱۶ دیروز (۲۲ دی) يك فرونده هواپیمای میک عراقی بوسیله آتش پدافند هوایی در منطقه غرب کشور هدف واقع شد و سقوط کرد. ضمناً ۶ فرونده هواپیمای مهاجم میک نیز توسط رادارهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران کشف و با اجرای آتش پدافند هوایی، ناچار به فرار شدند.

۴- در منطقه سرپل‌ذهاب، ۱ آکتیبار و ۲ انبار مهمات دشمن توسط رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران منهدم شد و ۵۰ نفر از قوای کفر کشته و زخمی شدند.

۵- در عملیاتی که بوسیله يك گروه از رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب کشور به اجرا درآمد، ۳۰ درصد از يك ستون کامیون دشمن منهدم و ۲ قبضه تیربار ۷۵ میلیتری، يك قبضه خمپاره - انداز ۸۲ میلیتری، ۱ دستکاه موشک‌انداز و تعداد زیادی وسایل مخایرانی متجاوزان، به دست سپاهیان اسلام افتاد. يك آکتیبار، ۲ دستکاه تانک و يك قبضه خمپاره‌انداز دشمن نابود شد.

۶- در جبهه جنوب، بر اثر آتش یگانهای دلور ماه روی مواضع دشمن در محور ماهشهر - آبادان، تعدادی از جنگ افزارهای دشمن منهدم و ۳۲ تن از نیروهای کفر بیهلاکت رسیدند.

۷- تویخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مواضع قوای دشمن را در صیبه وفدائیه، زیر آتش شدید خود قرار داده و ضایعات و تلفاتی به مزدوران وارد ساخت.

بقیه از صفحه ۱

کارنامه ۸ ماهه سیاست خارجی لیبرال ها ۲

تلاش برای نزدیکی پادست نشاندگان امپریالیسم آمریکا

لیبرال‌ها، که امپریالیسم آمریکا را امپریالیسم آمریکا ندانند، آن را "دوست" انقلاب ایران وانمود می‌کردند و درصدد افقای قراردادهای خائنانه رژیم شاه ملعون با آمریکا بودند، پس طبیعی بود که دوستان این "دوست" نیز از جانب دولت موقت "دوست" دشمنان وی، "دشمن" تلقی شوند.

درواقع نیز چنین بود. دولت‌های دست نشانده آمریکا در منطقه، که با تمام قوا علیه انقلاب ایران تحریک و توطئه می‌کردند، چون مصر و اردن و پاکستان و ترکیه و عربستان و عمان و... همان‌هایی که علی‌رغم ادعای ظاهری شان، علیه جنبش آزادی‌بخش فلسطین با اسرائیل جنایتکار و غاصب، همکاری می‌کردند و همان‌هایی که مورد خشم و نفرت مردم انقلابی ایران قرار داشتند، از نظر لیبرال‌ها "دوست" تلقی می‌شدند و تلاش‌های معینی به عمل می‌آمد، تا رشته‌های روابط رژیم پهلوی با این حکومت‌های ارتجاعی حفظ و تحکیم شود. بالعکس، کشورهای انقلابی و مترقی منطقه و جهان، که با تمام قوا از همان آغاز به پشتیبانی انقلاب ایران برخاسته بودند، چون لیبی، الجزایر، سوریه، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، جنبش فلسطین و... با سردی از جانب لیبرال‌ها مواجه می‌شدند و حتی تلاش به عمل آمد، تا با تبلیغات سوء، خصومت مردم انقلابی ایران علیه آنها برانگیخته شود.

دولت موقت که اعلام می‌کرد: "در راس دشمنان ما اسرائیل است، درقبال توطئه عظیم کارتر، سادات بگین، یعنی سه مفسدین، علیه انقلاب فلسطین، سکوت کرد، تا جایی که امام خمینی با قاطعیت دستور قطع ارتباط با مصر سادات را در ۱۲ اردیبهشت ۵۸ صادر کردند و، به قول مهندس بازرگان، "دست دولت را توی پوست گردو گذاشتند!" لیبرال‌ها کلافگی خود را از این گونه "مداخلات" امام خمینی برای عقیم گذاشتن سیاست سازشکارانه دولت موقت، طی نامه، سرگشاده‌های خطبه به امام خمینی، با امضای گروهک ضدانقلابی "جبهه دموکراتیک ملی"، بیان داشتند و آن نوشتند: "دخالت شما و روحانیت در امور مملکت‌داری و دستورهایی صریحی که صادر می‌فرمائید، آنچنان ابعاد وسیعی گرفتار است که در این راه حتی کم‌ترین ملاحظاتی هم رعایت نمی‌شود.

لیبرال‌ها، سپس به عنوان مثال به قطع رابطه با مصر، که به دستور "صریح" امام خمینی انجام شد، به شدت انتقاد کرده بودند.

دکتر یزدی در ۲۱ خردادماه ۵۸ طی یک مصاحبه با روزنامه "اطلاعات" در پاسخ به پرسش: "آیا تصور نمی‌کنید یک پیمان دفاعی با کشورهای منطقه خلیج فارس مفید باشد" (همان "پیمان دفاعی"، که اکنون به کارگردانی آمریکا و دلالتی عربستان سعودی می‌خواهد سرهم‌بندی شود) نه فقط پاسخ منفی نمی‌دهد، بلکه می‌گوید:

"تاکنون پیشنهادهای در این مورد نشده است."

در تاریخ ۴ مردادماه ۵۸، بیست و ششمین کنفرانس سالانه کشتیرانی پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران (آر. سی. د) در محل کشتیرانی آریا برگزار شد، که در آن، نماینده ایران نیز در کنار نمایندگان پاکستان و ترکیه شرکت کرد. این پیمان در

سال ۱۳۴۳، با توصیه امپریالیسم آمریکا، در ارتباط با پیمان تجاوزکارانه سنتو و به عنوان شعبه‌ای از آن، تشکیل گردید. دولت موقت لیبرال‌ها، که زیر فشار سیل انقلاب ایران، خروج از "پیمان سنتو" را اعلام کرده بود، در مورد "آر. سی. د"، این میراث دوران پهلوی و سیاست نواستعماری امپریالیسم آمریکا، کاملاً سکوت کرد و در مورد ماهیت آن کلمه‌ای سخن نگفت. در واقع این تلاشی بود از جانب دولت موقت لیبرال‌ها، تا از قطع کامل زنجیر اسارت پیمان آمریکائی سنتو، مانعیت کنند و به هر طریق که ممکن است حلقه‌های این زنجیر را دوباره به یکدیگر متصل سازند.

دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت لیبرال‌ها، در مورد پاکستان، که حکومت ضیاالحق، دیکتاتور دست‌نشانده آمریکا، در آن برقرار بود، اعتقاد داشت:

"پاکستان کشور مستقلی است و برنامه‌های آنها در چارچوب معیارها و مصالح کشور خودشان می‌باشد. هر برنامه‌ای که منافع پاکستان را تأمین کند، مورد تأیید



ما نیز می‌باشد!" (انقلاب اسلامی، ۷ مرداد ۵۸)

رژیم جنایتکار صدام حسین نیز با لطف بسیار زیاد دولت موقت لیبرال‌ها مواجه گردید. علی‌رغم آنکه از همان اوایل انقلاب ایران، خرابکاری‌ها و دخالت‌های گستاخانه و تجاوزات آشکار این رژیم جنایتکار علیه انقلاب ایران مشهود بود، وزارت امور خارجه دولت موقت اقدامی جدی در برابر این خراب‌کاری‌ها و دخالت‌ها به عمل نیاورد.

روزنامه "انقلاب اسلامی"، در ۱۶ مهر ۵۸، خطاب به دولت موقت نوشت:

"برطبق چه ضابطه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد پرواز هواپیماهای عراقی بر فراز خاک ما و بمباران دهکده‌های مرزی ایران، با وجود مدارک مسلج در مورد سلب آزادی و آزار و اذیت شیعیان این کشور، که حتی مورد انتقاد رهبری مردم قرار می‌گیرد، و نیز در مورد شایعه دخالت عراق در قوانین ناهنجار کردستان، هنوز هم دولت مهرسکوت بر لب زده است؟"

حتی کارجانی رسید که سفیر عراق در کویت، طی یک مصاحبه، توافقی‌های ایران و عراق را در سال ۱۹۷۵، در مورد شط العرب بی‌اعتبار نماید، حاکمیت ایران را بر جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی مورد تردید قرارداد، در مورد خوزستان ادعاهای ارضی به میان آورد و در مورد "تأمین حقوق ملی خلق‌های ایران!" اظهار نظر کرد، ولی دولت موقت به این سخنان خطرناک که پایه "بهبودهای آینده رژیم جنایتکار صدام حسین را برای تجاوز به ایران تشکیل داد، به هیچ وجه برخوردی درخور نکرد. دولت موقت

لیبرال‌ها تنها با صدام حسین به "مذاکره" پرداخت. دکتر یزدی، پس از تجاوز نظامی صدام به ایران، نوشت:

"ایران پیشنهاد عراق را برای مذاکره مستقیم پذیرفت. این مذاکرات در کوبا یک نوبت با صدام حسین و دونوبت با وزیر امور خارجه آنها صورت گرفت." (کبکان، ۵ مهر ۵۹)

اما در تمام طول ۹ ماه حکومت دولت موقت، نخست وزیر و وزیر امور خارجه و دیگر مسئولین آن در مورد توطئه‌های گسترده دارو دسته صدام حسین علیه ایران، کلمه‌ای بر زبان نیاوردند.

... و خصومت نسبت به دوستان انقلاب ایران و دشمنان امپریالیسم آمریکا

وقتی امپریالیسم آمریکا، "دوست"، پاکستان، "مستقل" و پیمان "آر. سی. دی"، یعنی شبه سنتو، "محترم" باشد، طبیعی است که باید لیبی و الجزایر و سوریه و کوبا و فلسطین و یمن دموکراتیک و



... "نامحرم" و "دشمن" تلقی شوند. از چنین سیاست خارجی جز این نمی‌توان انتظار داشت.

در تمام دوران دولت موقت، هر چه دوستان انقلاب ایران، در میان کشورهای در حال توسعه و غیرمتعهد، تلاش کردند تا سدی را که رژیم محمد رضا در مقابل گسترش روابط آنها با ایران برقرار کرده بود، بشکنند، توفیق نیافتند و لیبرال‌های دولت موقت، با تمام قوا در این امر کارشکنی کردند.

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، که مسئولیتش با قطب زاده، وزیر امور خارجه بعدی بود، طی این دوران، با تمام قوا به تحریک و دروغ‌پردازی علیه کشورهای سلمان انقلابی پشتیبان انقلاب ایران پرداختند و اخبار دروغ مربوط به کمک مالی کشور لیبی به گروه‌های اخلالگر و خرابکار در ایران از این رسانه‌ها با وسعت پخش می‌شد. برقراری روابط مجدد با کوبا، که رژیم شاه مله‌ین آنرا قطع کرده بود، به تعویق افتاد، علی‌رغم اعلام این‌که روابط ایران با جمهوری دموکراتیک خلق یمن در ۲۵ اردیبهشت برقرار خواهد شد، کارشکنی لیبرال‌ها این امر را تحقق‌ناپذیر ساخت، روابط با لیبی، علی‌رغم آن‌که عبدالسلام جلود، نخست‌وزیر لیبی، به ایران آمد و مدت یک‌ماه در ایران بود، همچنان معلق ماند؛ روابط با سوریه نیز، علی‌رغم مسافرت خدام، وزیر امور خارجه سوریه به ایران و استقبال مشتاقانه سوریه از انقلاب ایران، در حداقل ممکن باقی ماند.

روزنامه "انقلاب اسلامی" در ۱۶ مهر ۵۸ نوشت:

"بر اساس چه ضابطه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران به فکر قطع

رابطه با مصر، به علت ایجاد رابطه با اسرائیل نیافتاد، تا آنجا که ناگزیر مقام رهبری و ملت، خود ابتکار قطع رابطه با دولت مصر را در دست گرفت؟

و یا بر مبنای چه سیاستی، علی‌رغم سرکوب مسلمانان فیلیپین توسط دولت این کشور، دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز هم به فروش نفت به این کشور ادامه می‌دهد؟

براستی چرا دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار ایجاد رابطه با دولت لیبی نیست و علی‌رغم مسافرت جلود به ایران و علاقه لیبی به ایجاد رابطه با ایران، مساله را همچنان سکوت می‌گذارد؟

در مورد جنبش آزادی‌بخش فلسطین نیز دولت موقت لیبرال‌ها نهایت سعی خود را به عمل آورد، تا این جنبش انقلابی را، که همسنگی نسبت به آن، در قلوب تمامی مردم انقلابی ایران، جای دارد، از انقلاب ایران جدا سازد و فضایی ناسالم میان آن و انقلاب ایران پدید آورد. سخنگوی جاسوس دولت موقت عباس امیرانتظام، در یک مصاحبه در فروردین ماه ۵۸، اعلام کرد که: "ما به فلسطینی‌ها احترام زیادی قائلیم و هر کمک معنوی در مجامع بین‌المللی که بتوانیم به آنها خواهیم کرد، اما به هیچ وجه دادن اسلحه به آنها را تعهد نکردیم!" ۷ ماه بعد از انقلاب، روزنامه "انقلاب اسلامی"، از ابوشریف، فرمانده پیشین سپاه پاسداران و مسئول کنونی عملیات غرب کشور، پرسید:

"دولت ایران تا کنون هیچ حمایت عملی از فلسطین نکرده است. به نظر شما دلیل این امر چه بوده‌است؟"

ابوشریف پاسخ داد:

"دلیل این را باید از آقایانی که این سیاست را اتخاذ کرده‌اند، پرسید، ما معتقدیم که در مورد انقلاب فلسطین و مخصوصاً لبنان باید خیلی قاطع‌تر و روشن‌تر و انقلابی‌تر عمل می‌شد، که نشده است. حالا این‌که عمل نشده، دلایلش را باید از آنها پرسید." (انقلاب اسلامی، ۱۸ مهر ۵۸)

روزنامه "انقلاب اسلامی" در ۲۶ مهر ۵۸ نوشت:

"روابط ایران با لیبی و الجزایر به سردی قبل از انقلاب است. کشور های الجزایر و لیبی، که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بسیار خشنود بودند، هم‌اکنون امیدشان مبدل به یاس شده است. کشور ایران با دولت موقت انقلابی خود دارای یک نوع دیپلماسی است که محور آن امام موسی صدر می‌باشد. لذا بمانیم بهانه، روابط ایران با لیبی و حتی الجزایر، نه تنها بهبود نیافته، بلکه می‌توان گفت که به همان سردی قبل از انقلاب است. آن چه مهم است این است که، رژیم‌های این دو کشور شدیداً ماهیت ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی دارند و ایران انقلابی ما نه تنها در جبهه این کشورها نیست، بلکه اندک صاحب موضع ضد لیبی، هم می‌شود. طبیعی است که چنین سیاست خارجی فقط به نفع آمریکا تمام می‌شود و بس، که البته اسرائیل نیز بی‌بهره نمی‌ماند!"

روزنامه "انقلاب اسلامی" همچنین در ۲۸ آذرماه ۵۸، در مورد چگونگی برخورد دولت موقت با فرستادگان سلطان قابوس، مزدور امپریالیسم آمریکا و دوست دیرین محمد رضای ملعون و نیز مقایسه آن با برخورد دولت موقت با نمایندگان "جبهه آزادی‌بخش خلق عمان" نوشت:

"پس از پیروزی انقلاب ایران،

یک هیئت رسمی از طرف جبهه آزادی‌بخش خلق عمان به ریاست محمد احد غسانی، عضو کمیته اجرایی و سخنگوی جبهه به ایران آمد. این هیئت در یادداشتی به امام خمینی اوضاع جاری عمان و ظلم و ستمی را که ملت عمان تحت رژیم سلطان قابوس تحمل می‌کنند، تشریح کردند. احمد غسانی طی مصاحبه‌های خود با مطبوعات ایران، مطالب تازه‌ای از موفقیت جبهه و نیز انتظارات آن از انقلاب ایران را مطرح کرد.

ملاقات دولتی ایران روبرو گردید، مقامات دولتی ایران چنین جنبش انتظاری نیز می‌رفت. اسفانگیز آن‌که شاهد سفر یک هیئت رسمی از جانب سلطان قابوس به ایران بودیم و سپس با شگفتی در مطبوعات سفیر عمان در ایران خواندیم که پس از ملاقات مزبور، دولت موقت انقلاب به عمان اطمینان داده است که از گروه چریکی مارکسیست جبهه آزادی‌بخش خلق عمان جانبداری نخواهد کرد؟! سفیر عمان همچنین اظهار داشت که به مقام‌های ایرانی اطمینان داده است که هیچ نیروی خارجی در عمان مستقر نیست!!"

چنین بود سیاست لیبرال‌های دولت موقت در مورد دول دشمنان آمریکا و کشورها و جنبش‌های دوست انقلاب ایران در منطقه.

سیاست «نه شرقی نه غربی» لیبرال‌ها

یکی از اسنادی که در زمینه توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران، توسط رئیس جمهور بنی صدر افسا گردید، سندی بود که در آن برزیل، از طراحان اصلی توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، از جانب کارتر، به وزارت خارجه آمریکا در مورد چگونگی انجام توطئه علیه ایران رهنمود می‌داد. این رهنمود، که سپس به "خط برزیل" موصوف گردید، چنین بود:

"لازم است جو سوءظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهرمداری قرار داد. رئیس جمهوری (کارتر) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد...

اتحاد شوروی از همان نخستین روزهای انقلاب قاطعانه از آن پشتیبانی کرد و نخستین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. اتحاد شوروی و دیگر کشور-های سوسیالیستی اعلام کردند که حاضرند برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، هرگونه امکانی را - بدون قید و شرط سیاسی - در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. آنها توطئه‌های شیطان بزرگ آمریکا را افسا کردند و در مقابل تدارکات جهانی وی علیه انقلاب ایران، قاطعانه از جمهوری اسلامی ایران مدافع گردیدند. اتحاد شوروی امپریالیسم آمریکا را از مداخله مستقیم نظامی در دوران انقلاب ایران، برحذر داشت، محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا و متحدانش را علیه انقلاب ایران، در شورای امنیت "وتو" کرد. اما "خط برزیل" که که امپریالیسم آمریکا را "دوست"، متحدین و سرسپردگان آنرا "برادر" و دشمن آنرا، "دشمن" می‌دانست. نمی‌توانست پذیرفت دست دوسی و نتیجه در صفحه ۶

پای صحبت
صیادان یکبنی
(از روستاهای
بندر جاسک):

دولت باید با حمایت مادی و معنوی از صیادان، میزان صیادی را افزایش دهد

به خاطر نداشتن وسیله
نقلیه و نبودن سردخانه در
یکبنی، ما مجبوریم ماهی‌های
خود را به قیمت نازلی به
دلال‌ها بفروشیم.
محمود عنبری: به گفته
امام خمینی، این بار دست
آمریکا از آستین عراق بیرون
آمده است.



صیادان یکبنی از روستاهای بندر جاسک

روستا‌های یکبنی از روستاهای بندر جاسک است، که در سه کیلومتری آن واقع شده است. کار عمده اهالی روستا ماهیگیری است. ماهیگیری در طول سال، در دونوبت، انجام می‌گیرد، زیرا صید هر ماهی، در فصل مخصوص به آن صید، انجام می‌شود.

فصل صید ماهی‌های "متوت" و "لوجر" (ساردین) بوسیله لنج (قایق یا رویی) از اول مهر ماه تا اوایل خرداد ماه است، زیرا در تابستان بوسیله باد های موسمی، که از جنوب می‌وزد، دریا طوفانی می‌شود و دیگر این لنجها قدرت مقابله با امواج خروشان دریا را ندارند. این لنجها ظرفیت پذیرش حدود ۳ نفر جا شورا دارند. فصل صید ماهی "هور" در تابستان است. با فرازیدن این فصل، تعداد صیادی از جاشوها بیکار می‌شوند، زیرا صید ماهی "هور" بوسیله قایق های موتوری صورت می‌گیرد، که هر قایق ظرفیت پذیرش عتا ۸ نفر را دارد. در نتیجه، بقیه ماهیگیران بیکار می‌شوند. ماهیگیران با قایقهای موتوری در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر در دریا حرکت می‌کنند و تمام شب را به صید ماهی می‌پردازند و صبح زود، پس از جمع آوری تورها، به ساحل برمی‌گردند.

در هر ماه فقط در حدود ۱۵ تا ۱۸ روز می‌توان ماهی گرفت، آنهم در شبهای تاریک. بدلیل اینکه ماهی "هور" را فقط در شبهای تاریک می‌توان صید کرد، این زمان تاریک صید را به زبان محلی، "سون" می‌گویند.

با فرارسیدن شبهای مهتابی، صیادان به "خور" (فرورفتگی دریا در خشکی) می‌آیند و به تعمیر موتورهای قایق، شستشوی قایق و وصله زدن تورهایی که بوسیله ماهیهای بزرگ، در هنگام ماهیگیری پاره شده، می‌پردازند.

ماهیگیران صاحب وسایل صیادی نیستند. این وسایل به صاحبان موتور لنجها (از زبان) تعلق دارد. در این میان به جاشوها تنها مقدار کمی دستمزد تعلق می‌گیرد، تا بتوانند زنده بمانند و تا نیرو دارند برای ارباب ماهی صید کنند. در جریان توزیع وعرضه ماهی به بازار، دلالهای بی شماری وجود دارند که ماهی را با قیمت نازل از صیاد می‌خرند و آنرا به میناب و بندر عباس حمل می‌کنند و به مصرف کننده با قیمت گران می‌فروشند. در نتیجه، این تنها جاشوها و صیادان منطقه نیستند که تحت فشار قرار می‌گیرند، بلکه مصرف

کننده هم مجبور است ماهی را به قیمت گران خریداری کند (توضیحا باید گفته شود که ماهی خوراک اصلی مردم این مناطق است).

هر کدام از اربابها در بندر جاسک مغازه دارند و اجناس مورد نیاز جاشوها را بصورت نسیه، ولی با قیمت گزاف به آنها می‌فروشند.

ماهیگیران این منطقه با کمبودها و نارسائیهایی زیادی روبرو هستند. برای گفتگو با چند تن از آنها به ساحل دریا می‌رویم. در طول ساحل قدم می‌زنیم. ازدور شیئی سیاه رنگی چشم ما را خیره می‌کند. به آنجا که نزدیک می‌شویم، با تعدادی از ماهیگیران، که مشغول وصله زدن تورهای ماهیگیری هستند، مواجه می‌شویم. با یکی از آنها، که زنبیلهای داخل کبر را جابجا می‌کند، به گفتگویی پردازیم. ماهیگیر خود را علی نورکی معرفی میکند. او درباره کمبود وسایل ماهیگیری می‌گوید:

"مادر روستاهای یکبنی با کمبود وسایل ماهیگیری مواجه هستیم. زیرا وسایل ماهیگیری ما قبلا از شیخ نشینها وارد می‌شد، ولی اکنون بخاطر شرایط جنگ و علیل دیگر، این کار مقدور نیست. دولت میتواند با بستن قرارداد با کشورهای دوست ایران، این وسایل را تامین کند. کمبود بنزین باعث ایجاد نا رسانی در کار ماهیگیری شده

است.

علی می‌افزاید:
"در ابتدا ما برای ماهی گیری، باید بوسیله موتور سیکلت، چند کیلومتری در کنار ساحل حرکت و محل اجتماع ماهی ها را شناسایی کنیم. بعد به جاشوها اطلاع می‌دهیم، تا بوسیله لنج به آنجا بروند و شروع به ماهیگیری کنند. گذشته از شناسایی ماهی، چون در آن محل مواد خوراکی نیست، باید دیگر صیادان به ما مواد خوراکی و آب برسانند، ولی بعلت کمبود بنزین این کار کم شده و در نتیجه میزان ماهیگیری کاهش یافته است."

ماهیگیر دیگری که روبروی ما نشسته، "مندیل" (پارچه‌ای که به دور سر می‌بندند) خود را جابجا کرده می‌گوید:

"اسم بحتی با زرتک است. در اینجا مواد غذایی گیر نمی‌آید و مواد غذایی که از ارباب می‌خریم، گران است. با این درآمد کم، زندگی ما بسختی می‌گذرد. در یکبنی یک شرکت تعاونی صیادان بندر جاسک تا مین می‌کند. بیشتر سهم شرکت را اربابها خریده‌اند و بیشترین سود را آنها می‌برند. مدت دوماه است که از شرکت به ما چیزی تعلق نگرفته است و در بقیه ماهها شرکت هر وقت دلش میخواهد، با زمی کند و هر وقت ما بهش می‌گوئیم جنس می‌خواهیم میگوید: "امروزمی خواهم بروم شهر"

با "امروز شرکت تعطیل است" و خیلی حرفهای دیگر، مسئولین امر باید هر چه زودتر به وضع ما رسیدگی کنند.

سردخانه شیلات جاسک تا کنون برای ماهیگیران کاری انجام نداده است

علی نورکی در مورد تاسیس سردخانه در نزدیکی جاسک و اقداماتی که در زمینه ماهی گیری انجام داده، می‌گوید:

"حدود سه سال است که سردخانه شیلات جاسک در نزدیکی روستای یکبنی ساخته شده، ولی تا کنون برای ماهیگیران کاری انجام نداده است و ما ماهیهای خود را به خاطر نبودن سردخانه و نداشتن وسیله نقلیه به مجبوریم به قیمت نازل به دلالها بفروشیم. ما می‌سازدین را هرز نیل ۳۰ تومان از ما می‌خرند و به میناب و بندر عباس می‌برند و آن را در حدود ۱۵۰ تومان می‌فروشند."

محمود عنبری، ماهیگیر دیگری که مشغول وصله زدن تورهای ماهیگیری است، در باره خواست‌های ماهیگیران از دولت انقلابی می‌گوید:

"یکی از خواستهای ما این است که دولت وسایل ماهیگیری را در اختیار ما بگذارد، تا خودمان به ماهیگیری بپردازیم. کار سردخانه شیلات را هم روبراه کند و ما ماهیهای ما را خودش خریداری کند و در سردخانه نگهداری و برای مصرف مردم از آنها استفاده کند. تا، در نتیجه، دست دلالها کوتاه شود. اگر دولت از ما حمایت کند، ما حاضریم شبانه روز کار کنیم."

محمود در مورد علت جنگ رژیم صدام با ایران می‌گوید: "تقد عراق از جنگ با ایران نابود کردن انقلاب اسلامی ایران است. عراق به کشور ما تهاجم می‌کند و بر سر مردم بی دفاع بمب می‌ریزد. او از حمایت آمریکا و سایر کشورهای مانندان برخوردار است. بگفته امام خمینی:



صیاد یکبنی از روستاهای بندر جاسک

اینبار دست آمریکا از آستین عراق بیرون آمده است. اگر دولت بخواد، ما حاضریم به جبهه برویم و با دست نشانده آمریکا مبارزه کنیم."

پس از پایان گفتگو با صیادان، به طرف سردخانه می‌رویم، تا دلیل عدم کارآیی آن را جویا شویم. آقای یحیی سبزی علی، سرپرست سردخانه می‌گوید:

"بعلت اینکه تنها ۹۰٪ از قطعات سردخانه نصب شده، هنوز سردخانه آماده بهره‌برداری نشده است. بدلیل اینکه قرارداد آن با یک شرکت ایتالیایی و نصب آب شیرین کن آن با اسرائیل بوده است، من پیشنهاد می‌کنم که دولت برای رفاه حال ماهیگیران این منطقه با کشورهای دوست ایران قرارداد ببندد و سردخانه را راه بیندازد. تا پس از تکمیل، ماهیهای صیادان را خودمان خریداری کنیم"

چرا شرکت لامیران ملی نمی‌شود؟

سهام شرکت لامیران (بیمه) صدر صد آمریکایی است، ولی هنوز ملی نشده است. نظارت لامیران آمریکا برای شرکت بحدی است که رونوشت همه نامه‌های شرکت برای آمریکا ارسال می‌شود. علاوه بر این، پوشش‌هایی که طبق مقررات بیمه مرکزی شامل آن نمی‌شود، آمریکایی‌ها بیمه می‌کنند. این شرکت برابر بندهای "ب" و "ج" قانون شرکت‌های ملی شده، باید مصادره شود. ظاهراً نام این شرکت در لیست واحدهای مشمول ملی شدن نیز هست، ولی هنوز ملی نشده و دولت تنها یک ناظر برای آن تعیین کرده است.

اینک این سوال مطرح می‌شود که: در شرایط مبارزه جانیه با کلیه ابعاد وابستگی و در جهت مستقل شدن همه شئون میهن از سلطه غارتگران امپریالیست و در رأس همه آمریکا، چرا شرکت لامیران ملی نمی‌شود؟

بود. صاحبان کارخانه فرس باستان یزد از جمله سرمایه‌دارانی هستند که با استفاده از این امکانات، چرخ کارخانه را به راه انداخته‌اند و پس از انقلاب نیز همچنان بدون هیچ مانعی به بهره‌برداری از اموال عمومی مردم، که در دوران طاغوت بدست آورده‌اند، ادامه می‌دهند. سهام‌داران این کارخانه از ابتدای کار، کل محصول کارخانه را با رقم‌های پانصد هزار تا یک میلیون تومان و بالاتر به صاحبان بازار سیاه و بینکارها می‌فروشند، بطوری که یک قطعه فرش با اندازه سه در چهار متر و به ارزش ۴۸۰۰ تومان، گاه در بازار به قیمت ۶۰۰۰ تومان و بیشتر بدست مصرف کننده می‌رسد.

از طرف دیگر این سهام‌داران در جمع ۱۲ نفری خود تصویب کرده‌اند که خودشان هم حق پیش‌خرید محصول کارخانه را داشته باشند و بابتج تا ده درصد تخفیف، محصول کارخانه را بخرند و تمام آن را یک جابه بنگ - داران و واسطه‌ها بفروشند. از این طریق هم آن‌ها سود کلانی می‌برند. در واقع این سرمایه‌داران، هم از طریق استثمار کارگران و هم با تاثیر بر بخش و فروش فرش، بر سرمایه خود می‌افزایند.

تنها از طریق مصادره اموال سرمایه‌داران بزرگ و اعمال کنترل جدی دولت برای توزیع داخلی می‌توان از غارتگری این سرمایه‌داران و ایجاد گرانی مصنوعی و نارضایتی در اقشار مردم جلوگیری کرد.

صاحبان کارخانه فرش باستان یزد با پیش فروش کلی کالا، گرانی کاذب را دامن می‌زنند

پیش از انقلاب رژیم خائن پهلوی، جاغارت دسترنج زحمتکشان، امکانات فراوانی برای کلان سرمایه‌داران فراهم می‌کرد. تخصیص وام های کلان و اعتبارات گوناگون برای ایجاد کارخانه‌ها و استثمار کارگران از این گونه

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

دهقانان در روستاهای مهربان زمین و آب می خواهند تا به انقلاب خدمت کنند

علی آباد

این قریه حدود ۲۲۰ نفر جمعیت دارد و فاصله آن تا همدان قریب به ۱۴۳ کیلومتر است. مالک این ده دارای ۶۷ هکتار زمین است. اهالی این روستا می گویند: "خودمان می خواهیم زمین ها را تقسیم کنیم، زیرا تا بحال هیئت هفت نفری به ده ما نیامده است و ما در جواب فرمان امام نمی گذاریم زمین ها نکاشته باقی بماند."

وضع زمین ها طوری است که می توان روی مالکیت متاع، یک تعاونی مجهز ترتیب داد و از وسایل موجود کشاورزی بهره گرفت.

وضع راه این ده بی نهایت خراب است. ما بختاج روزمره، از قبیل نفت، روغن، برنج، قند و چای آن نمی رسد. در این روستا اگر کسی میخورد، امکان معالجه ندارد، زیرا هیچ درمانگاه و پزشکی در نزدیکی آن نیست. در حال حاضر جهاد سازندگی مشغول ساختن یک حمام دوش در این ده است.

اهالی این روستا به مناسبت جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام به ایران، آمادگی خود را جهت شرکت در بسیج عمومی اعلام داشته اند و همچنین تاکنون مقداری نان، روغن، پنیر و گوشت را برای جبهه جنگ فرستاده اند.

قوریجان

در این قریه، که در ۱۳۵ کیلومتری شمال غربی همدان قرار گرفته، ۸۰ خانوار زندگی می کنند (۴۸۰ نفر). از این تعداد ۱۹ خانوار خوش نشین اند.

مالک این ده حدود ۸۰ هکتار زمین دارد و دهقانان چندین بار از وی شکایت کرده اند. با وجود اینکه تا بحال هیئت هفت نفری به ده نیامده است، ولی کشاورزان خود زمین های بزرگ مالک ده را کشت کرده و نگذاشته اند که زمین عاطل و باطل بماند. آن ها به سرنوشت انقلاب و به ازدیاد محصول ذی علاقه اند و زمین ها باید قانوناً و حقاً به خود آن ها واگذار شود.

به علت بدی وضع راه، ما بختاج اولیه زندگی، از قبیل نفت و سایر مواد اولیه به اهالی آن نمی رسد. قنات های این روستا به وسیله جهاد سازندگی لایروبی شده است و ما موران جهاد سازندگی در حال حاضر مشغول ساختن یک حمام دوشی در روستا هستند. روستای قوریجان دارای شورا نیز هست، ولی مردم از آن ناراضی اند و مدعی اند که کاری برای آن ها انجام نمی دهد.

کشاورزان کسما مشکلات خود را با تعاون و همکاری حل میکنند

اصغر پوربابا، نماینده کسما از طرف کشاورزان انتخاب شونده، تا با سازمان تعاون روستایی شهرستان موهمه سروا مسئولان دولتی تماس بگیرند و مواد سوختی و روغن جهت ماشین آلات کشاورزی مورد نیاز کشاورزان را تامین کند. برای این منظور چهار نفر بنام های آقایان ابراهیم کار جو کسمائی، اکبر شکری، علی

در قلب قریه مهربان، آنجا که بر ریح نقش می بندد، فریادی در آسمان نبلگون اوج می گیرد. آن "زندگی" است. آن ها زنده اند، اگر چه هنوز رگ های شان تشنه شیر، حیات، یعنی رهایی از چنگال ارباب و افق زندگی بهتر است. بیاید دگر باره قدم به سرزمین محرومیت ها، قریه مهربان، بگذاریم، به آنجایی رهسپار شویم که سخن از کمبودها است و آنجا که انسان ها به انتظار نشسته اند و با امید به انقلاب چشم دوخته اند.

بابا خنجر

در این قریه، که در شمال غربی همدان قرار گرفته، ۲۳۰ خانوار زندگی می کنند که از این تعداد، ۶۰ خانوار خوش نشین اند. جمعیت روستا به حدود ۱۲۵۰ نفر می رسد و فاصله ده تا همدان ۱۳۲ کیلومتر است.

بزرگ مالک بابا خنجر، حدود ۱۷۰ هکتار زمین دیمی و ۳۰ هکتار زمین آبی داشت. هیئت هفت نفری تا بحال به روستا نیامده است و خوش نشینان می گویند:

"از روزی که مالک شنیده بود که زمین های مالکین واگذار می شود، شروع به فروش زمین ها کرده است. او این زمین ها را قبلاً به زور از ما گرفته و باید هر چه زودتر به وسیله هیئت هفت نفری تقسیم و به ما برگردد."

وضع راه روستا بسیار خراب است، بطوری که در زمستان بسته می شود و حتی تراکتور هم نمی تواند رفت و آمد کند.

در این ده یک مدرسه ابتدایی وجود دارد. حمام هم بصورت خزینه ای و قدیمی است. صنایع جهاد سازندگی قنات های این روستا را لایروبی کرده و از نو کنده است. در این روستا از بهداشت و درمانگاه خبری نیست.

اهالی روستا آمادگی بسیج عمومی برای جنگ با رژیم جنایتکار صدام شده اند. دهقانان زحمتکش همواره پشتیبان انقلاب بوده اند و در این راه از هیچ کمکی دریغ نکرده اند. آن ها تاکنون حدود ۴۰۰ هزار ریال پول نقد، مقداری طلا و چند راس گوسفند به جنگ زدگان کمک کرده اند.

مهم ترین خواست های اساسی دهقانان و خوش نشینان روستای بابا-خنجر عبارت است از:

- ۱- هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر زمین های فئودال این روستا را به صاحبان اصلی اش، یعنی دهقانان کم زمین و بی زمین برگرداند،
- ۲- ایجاد حمام، راه و امکانات بهداشتی.

انقلاب باید نمونه واقعی و درست اصلاحات ارضی را عرضه دارد

شهیدی محمود، پیرمرد هفتاد ساله اهل روستای قشلاق (واقع در منطقه کربال فارس) است. او دهقان تهیدستی است که سالهای متعددی در زادگاهش کشت و برداشت می کرد. آفتاب گرم تابستان و سرمای زمستان این سالها و رنج و مشقت، او را از کار انداخت. اصلاحات کذائی شاه ملعون برای شهیدی محمود جز در بیدری چیزی به بار نیاورد. مالکان روستا، کیه مامورین اصلاحات کذائی شاه را پر کردند و تک زمین های او را از چنگش بیرون آوردند. شهیدی محمود می گوید:

"حتی رقم جلوی ماشین مامور ها دراز کشیدم که زمین هایم را برگردانند، یا مرا بکشند، ولی ارباب هدایت (یکی از چند مالک ده) با توگوشی کنارم زد و سوار ماشین شدند و رفتند."

آری، اصلاحات کذائی شاه ملعون، با فحش و سیلی و سرنیزه زاندار مهابه راه بود، جیب مفتخوارها پر می شد و دهقانان بی چیز آواره می شدند. شهیدی محمود وقتی دید که دیگر قادر به زندگی درده نیست، با زن و بچه خود راهی شیراز شد، همانطور که خیلی از دهقانان بی بضاعت دیگر از روستاهای استان راه شهر را در پیش گرفتند.

شهیدی محمود علاقه زیادی به کشاورزی دارد، افسوس که دیگر پیرمرد شده و نمیتواند بده برگردد، پیرمرد

شورای ده دارای اهمیت حیاتی است و باید بیانگر خواست ها و وسیع کننده نیروی دهقانان باشد و از مسئولان دولتی وسایل لازم را بگیرد و به وضع تولیدی و معیشتی و عمرانی ده سر و صورت بدهد. هیچ دلیلی ندارد که دهقانان از شورای خود ناراضی باشند، مگر آنکه شورا وظیفه خود را فراموش کند و به دردهای انتخاب کنندگان نرسد.

بمناسبت جنگ تحمیلی، اهالی این روستا، مانند سایر مردم ایران آماده شرکت در بسیج عمومی اند. تاکنون کمک های بسیاری، از قبیل گوشت، نان و پنیر به جنگ زدگان کرده اند. علاوه، ایجاد یک شرکت تعاونی واقعی و متکی به خود دهقانان، که نیازهای اهالی این ده، از قبیل قند و شکر و جای و برنج و سایر مایحتاج زندگی را تامین کند، کاملاً ضرور است.

سیف آباد

در این قریه ۲۱ خانوار (۱۳۰ نفر) زندگی می کنند، که ۵ خانوار آن خوش نشین اند. فاصله آن تا همدان حدود ۱۳۰ کیلومتر است. یکی از مالکان این ده بجای ۱۱ هکتار، که به او می رسید، در زمان طاغوت، حدود ۱۰۰ هکتار از بهترین زمین ها را تصرف کرده است. این نمونه ای از سندسازی و تصرف غیرقانونی زمین ها است. حتی تعویق بند "ج" نیز نمی تواند مانع فعالیت هیئت هفت نفری در این گونه موارد شود. ولی یکی از خوش نشینان می گوید: "تا بحال هیئت هفت نفری به ده ما نیامده است، در صورتی که ما در بهار به هیئت هفت نفری مراجعه کردیم و جریان را گفتیم."

واضح است که دهقانان، که به منافع انقلاب توجه دارند، حق خود را نیز خوب می شناسند و دست روی دست نگذاشته اند. اهالی روستا تاکنون ۸۹ هکتار از زمین ها را کاشته اند و ۱۱ هکتار حق مالک را گذاشته اند.

وضع راه ده بسیار خراب است و احتیاج به پل دارد. حمام دوشی به وسیله جهاد سازندگی در حال ساختن است. برای رشد تولید دهقانان می گویند: "اگر آب زیاد و کافی تامین شود، مقدار محصول ما بسیار خوب خواهد شد."

در این روستا نیز از بهداشت و پزشکی خبری نیست. اهالی این روستا، مانند سایر مردم ایران، به مناسبت جنگ عادلانه علیه رژیم جنایتکار صدام، آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده اند و همچنین یک ماشین نان و دو جلیب پنیر و ۴ راس گوسفند برای جنگ زدگان کمک کرده اند.

افزایش باید و از فروش محصولات خود به عوامل واسطه و دلال خودداری کنند و در اختیار مصلحت های بگزارند که دولت معین خواهد کرد، تا بدین وسیله از ایجاد احتکار و گرانی مصنوعی جلوگیری بعمل آید. تا این لحظه از طرف مسئولین دولتی و سازمان تعاون روستایی وعده همکاری به نمایندگان کشاورزان داده شده است، که امیدوار کننده است.

تولید کنند و در مقابل ضد انقلاب داخلی و خارجی، که میخواهند با احتکار و گرانی و تحریم اقتصادی و ایجاد جنگ فرسایشی، انقلاب را تضعیف نمایند، ستمحکمی برپا کنند. همکاری مسئولان و پشتیبانی نهادهای انقلابی از کشاورزان موجب میشود که اعتماد کشاورزان نسبت به ارگانهای دولتی و بیشتر

چون برای کاشت و شخم شالیزارهای منطقه، دهقانان احتیاج به گاز و ژنرلیتور و روغن موتور جهت تیلرهای خود دارند، روز دوشنبه ۵۹/۹/۱۷ در مسجد جامع کسما، با حضور قائم مقام فرمانداری موهمه سروا در کسما، وعده کثیری از کشاورزان بروج کسما، جلسه ای تشکیل شد. درباره مشکلات تهیه مواد سوختی و روغن موتور تبادل نظر گردید. قرار بر این شد که

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگ نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.



شهیدی محمود (واقع در منطقه کربال فارس) پیرمرد هفتاد ساله ای که سال های جوانیش را جان کند و کار کرد و عاقبت از روی زمین توسط مزدوران رژیم شاه ملعون رانده شد.

هفتاد ساله از روزهای تلخ گذشته یاد میکند و میگوید:

صبح سحره صحرایم رفتم و تنها و جین و آبیاری می کردم. وقتی آفتاب میرفت و هوای تاریک میشد، به خانه بر می گشتم. زمین های موات را با کمک گاو آهن و ورزو آباد می کردم. هیچکدام از مالکها به زمین های موات نگاه هم نمی کردند، چه رسد به اینکه آنرا آباد کنند، ولی وقتی حاضر و آماده برای کشت و بهره برداری شد به زور از دستم خارج کردند."

اما هزاران شهیدی محمود آماده کارند. تنها باید به آنها زمین داد، باید قانون را بطور کامل و بدون هیچ استثنائی اجرا کرد.

هر گام کوچکی در راه خود کفایی و استقلال اقتصادی ارزنده و مهم است

ماه از آغاز جنگ تحمیلی صدام خائن علیه میهنمان میگذرد و ما خوب میدانیم که این جزئی از حمله ها و توطئه های آمریکا غارتگر بمنظور غلبه بر انقلاب بزرگمان است. لذا

برای عقیم گذاشتن تمام توطئه های این چپا و لنگر، باید علاوه بر تقویت همه جانبه جبهه، تقویت پشت جبهه را نیز به پیوجیه از یاد نبریم. در سطح روستاها، برای تقویت پشت جبهه و در وهله اول و مقدم بر همه باید امر اجرای قانون اصلاحات

ارضی را هر چه زودتر و سریعتر به سود دهقانان تهیدست بیان برسانیم. سپس، و ب موازات آن، امر نوسازی روستاها را با قاطعیت هر چه تمامتر و باتمام وجود ادامه دهیم. در این راه

تمامی نهادهای دولتی و انقلابی باید دست بدست هم بدهند. باید هر جا گرهی در کار دهقانان زحمتکش هست، آنرا بشود. تا بتوانیم راه افزایش تولید و خودکفایی و استقلال را طی کنیم.

خواستهای دهقانان حق طلب دولت آباد سبزوار

اصلاحات ارضی با جراد رأید. انسان همچنین میخواهند که وضع شرکت تعاونی روستا رسدگی شود، و همزمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی، مشکل آب برای آبیاری اراضی نرحل گردد و وسایل کار در اختیارشان قرار گیرد. بطور حتم تحقق خواستهای دهقانان و مبارزه با گرانی و کمبودها موجب تقویت انقلاب و بی اثر کردن تمام حربه های مکارانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران میگردد.

روستای دولت آباد یکی از روستاهای بخش مرکزی در شهرستان سبزوار خراسان است. جمعیت این روستا به ۱۴۰۰ نفر میرسد. دهقانان تهیدست و خرده پای روستا تاکنون بکرات با بزرگ مالک برخورد داشته اند. بدین خاطر دست به راهیمایی هایی هم زده اند. هدف مبارزه با زحمتکشان حل مسئله زمین است. روستاییان بی زمین و کم زمین روستای دولت آباد میخواهند که هر چه سریعتر قانون

به خوشبختی مردمان زندگی باختن، زندگیست!



دقت بیشتری برای یکسان کردن واژه‌ها

استاعیل . س. یکی از خوانندگان نامه "مردم" طی نامه‌ای پرسش زیر را خطاب به رفیق طبری مطرح ساخته است:

"شماره کتاب "مارکسیسم - لنینیسم بزبان ساده" (صفحه ۲ - سطر ۱۳ و ۱۴) نوشته‌اید: "مارکسیسم لنینیسم از سه بخش عمده شامل فلسفه، اقتصاد و سوسیالیسم تشکیل شده است. حال آنکه در کتاب مارتالیسم دیالکتیک نوشته رفیق نیکند آتین (صفحه ۱۳ - سطر ۶ و ۵) چنین تقسیم بندی شده است: فلسفه، اقتصاد سیاسی، کمونیسم عملی ."

در ادامه نامه، "نگرانی" خویش را از عدم یکسانی در کاربرد اصطلاحات و مفاهیم ابراز داشته، خواستار رعایت اصطلاحات در قالب واژه‌های یکسان در چاپ‌های بعدی این کتاب شده است.

نامه "مردم": دوست عزیز! مطالبی که از دو کتاب فوق آورده‌اید، با یکدیگر تناقض ندارند. اتفاقاً در بسیاری از کتب، رسالات و مقالات آن واژه‌ها را معادل هم می‌آورند. البته بشرطی که متلاً مفهوم سوسیالیسم را در معنای آن مکتب علمی که آموزش مربوط به نبرد طبقه کارگر در راه ایجاد جامعه بدون طبقه را دربرمیگیرد، درک کنیم، و با معنای دیگر آن، که نام مرحله اول جامعه کمونیستی است، اشتباه نکنیم.

همچنین "نگرانی" شما از حذف واژه "سیاسی بدنیال" اقتصاد موردی ندارد. این هم عبارتی است که رایج شده و مقصود بروشنی توضیح داده شده است.

در هر حال باعث خرسندی است که شما با این دقت مطالب را می‌خوانید و همه ریزه‌کاری‌ها را درک می‌کنید، ولی ایراد گیری زیاد از حد بر سر کلمات آنهم درحالی که مسئله‌ای از نظر محتوی وجود ندارد، و نیز درجایی که مفهوم و مقصود بروشنی معلوم است، جایز نیست.

البته هر قدر مقولات با واژه‌های یکسان در نشریات مختلف بکار رود، بهتر است و ما هم در این زمینه دقت بیشتری خواهیم کرد، ولی این مسئله عمده نیست، زیرا تصدیق می‌کنید که در برداشت و توضیح و درک مطالب، یعنی در محتوی اساسی خود، هر دو کتاب عیناً بیک نحو، این موضوع را نوشته‌اند.

چهار صد شاخه گل سرخ نثار راهت باد!

بمناسبت انتشار چهارمین شماره نامه "مردم" قطعه ادبی پرشوری با عنوان "چهار صد شاخه گل سرخ نثار راهت باد!" از بهرام دریافت کردیم بخشی از آن چنین است:

"آنکه که خورشید درخشان انقلاب به کشورمان تابیدن آغاز کرد، آنکه که

میهن ما غرق در سرود پیروزی و بهروزی گشت... و آنکه که خلق با نهایت ایثار به کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و مزارع روی آورد، تا گلستان پیروزی و عشق را بنا کند... تو از میان حروف سربین چایخانه و دستان یبینه بسته کارگران تولدی نوین یافتی، و ستاره‌ای پر نور در پیشانی پیش‌گامان پرورش دادی.

... اینک با تو و در کنار تو در جاده رزم و تلاش پیش می‌رویم و اتوار صبح روشن پیروزی و گرمای فردای عشق و ترانه و صلح را در برک برگ چهارصدمین شماره‌ات فریاد می‌کنیم. صدای آشنای کاروان انقلاب خلقی را بشنو: "چهار صد شاخه گل سرخ نثار راهت باد!"

محسن - ج. هوادار سابق سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران، نامه حاوی پرسش شما رسید. آن نوع برخورد با مسائل، که در قسمت یابانی نامه، از آن یاد کرده‌اید، با شیوه نگرش و تحلیل ما براساس بیگانه است.

د - ا - ت، حزب ما پاسخ همه جانبه خود را به پرسش‌های شما قبلاً داده است، برای دستیابی به پاسخ‌های ما می‌توانید شماره‌های گذشته نامه "مردم" و مجموعه "مجله دنیا" مراجعه کنید.

زویا، نامه شما در باره خرید جنگ افزارهای فرانسوی توسط دارودسته رژیم مزدور صدام رسید.

ی. م. تذکرات شما در مورد کاستی‌های موجود در نحوه چاپ و انتشار نامه "مردم" بجا است. این امری است که ما خود نیز بر آن تأکید داریم و در تلاش جبران آن هستیم.

نامه‌های م. س. کارمند بانک از تهران، ز. م. ارسال از سیرجان، م. حسینی از تهران، زهره و زویا از آلمان فدرال و از رشت بهزاد - ع، دریافت شد.

از همه این دوستان صمیمانه سپاسگزاریم.

شعر

شعر زیبائی بنام "سرود سرخ ز شاخیز سروده" م. کاوه از بهبهان دریافت کرده‌ایم. سراینده، از طبعی روان و قریحه‌ای سرشار، ولی به حد کافی پرورش نیافته‌ی برخوردار است. امیدواریم ضمن تلاش پیگیر و مطالعه و تجربیته

اندوزی بیشتر، از ارسال شما خوشبختانه نامه "مردم" دریغ نوزد، پاره‌هایی از این شعر زیبا را، که به رزمندگان جبهه نبرد بر ضد "مردم" تقدیم گردیده است، در زیر می‌خوانید:

"سرود شعله خیز غنچه فریاد زانبوه سرگ کینه‌های داغ چورقص قله آتشفشان خشم درون قلب رستاخیز مسردم می‌کند بیداد.

شکفت خنده روشنگر خورشید بیاراید سکوت ساده شکیب و اینک زبان شاعران خونچکان قرن، طلوع خنده نیلوفر شبنم،

و طعم زخم خونین شقایق را پاس میدارم.

من آن شوق صمیم را در مدانی، که خون سرخ و آتشناک خورشید سحرگاه را، جوجا می مرموزین از باده ناب غروبان سرکشیدند،

... به بام زرنگار و دلنواز صبح می‌گام.

و اینک با یادم گلنغمه‌ای از پرنیان فتح،

سرودی ناب از جام سحرلیریز، سرود رستن گلپسته امید، سرود سرخ رستاخیز.

* هوشنگ، ن. شعر "خورشید شب شکن" را به یاد همسر شگفت‌خیزش سروده است. بخشی از آن را می‌خوانید:

در سرزمین تفتنه خوزستان در کوچه‌های سرکش کردستان در هر کرانه خونبار میهنم شیران شوزه، شیدان شب شکن مردان انقلاب، یاران خوب من

گوی زمین و زمان را بر فرق خصم آوار می‌کنند. بنگر چه شاقانه‌یگرمی‌کنند.

* از کاوه، ی. دو شعر بنامهای "سنگر..." و "آغازی نو..." بدست ما رسیده است. "سنگر..." وصف و خواست سنگرهای فرزان مردم پرشور و انقلابی میهن ما بر ضد دشمن است:

به خاک افتاد... دست خون آلود را بنهاد بر پیشانی سنگر.

به زیر لب چنین گفتا: که بعد از من ممان خالی که دانم جای ایمانی آیا ای خاک، ای سنگر! مباد آن دم که بی مردوطن - مانی ...

* "ایران من خوش بستان!" سروده ج. شایب ویز از کارزون دریافت کردید.

از آن جمله است دوبیت زیر:

شب ما ست اینک بسی تاروجان در تب این جدال دل ما جو صبح سیدست، ایران من خوش بستان! خروش شهیدان خوش آوای نیکار با بندگیست

به خوشبختی مردمان زندگی باختن، زندگیست.

* نادر، م. از شیراز قطعه شعری به "شهادت، حریفان در جنگ عادلانه میهنی" تقدیم کرده است، که بدینسان پایان می‌یابد.

در راستای روند محکم امروز حزبمان ما جای پای حرکت فردای خلق را پر لاله می‌کنیم. دیگر اشعار رسیده:

* شعر "پیروزی" از ارژنگ ارسالی از فیلیپین شعر "خواهرم سیمین از شقایق، همدار" سروده، ف. م. - ارسالی از بابل، شعر "آرش امروز از نوشین"، "امپریالیسم از م. ت. و شعر "ای سرای بلند پرواز" از م. ت. و شعر "درود" از مهرداد را دریافت کردیم.

از همه این دوستان صمیمانه متشکریم.

در جهان سوسیالیسم

تحکیم صفوف حزب کمونیست چکسلواکی

شماره اعضای حزب کمونیست چکسلواکی، که کناره شانزدهم آن چند هفته دیگر برگزار خواهد شد، در سالهای گذشته بسیار افزایش یافته است. از کناره پانزدهم (بهار ۱۳۵۵) تا کنون، نزدیک به ۳۰۰۰۰ نفر، بویژه افراد جوان، به این حزب پیوسته‌اند. بدین ترتیب، حزب کمونیست چکسلواکی اینک ۱/۵۵ میلیون عضو نامزد دارد، که نزدیک به نیمی از آنها کارگر، بهک سوم روشنفکر و بقیه دهقان تعاونی و غیره هستند.

از نامزدهای حزب در ۵ سال اخیر، ۶۰ درصد کارگرند و بقیه ۴۰ درصد در صنایع، خدمات و بازرگانی است. با این ترتیب، حزب کمونیست چکسلواکی تحکیم شده و میانگین سن اعضا و نامزدهای آن کاهش یافته است (۴۴ سال). تعویض کارتهای عضویت در سال پیش، رزمندگی حزب را با لایروبی نقش آن در زندگی اجتماعی افزود.

در جهان سرمایه‌داری

آغاز دهه رکود برای جمهوری فدرال آلمان

بنوشته هفته نامه "اکنونیست" لندن، جمهوری فدرال آلمان، پس از آنکه آهنگ رشد آن در سه دهه نخستین بعد از جنگ، دهه دهه کاهش یافت، "سالهای ۸۰ را با دهه‌های آغاز خواهد کرد، که رکود اقتصادی مهم جنبه مهم ترین ویژگی آن خواهد بود. (در این دهه) یک رستم بحرانیهای خفیف رشدی ناچیز را در میمید قطع خواهد کرد."

فدرال آلمان، از جمله مسائل اقتصادی زیر بار می‌شود:

"دشواریهایی که در راه تسریع بازآوری کارپیش خواهد آمد، تا بدین ترتیب کاهش سهم (این کشور) در بازرگانی جهانی جبران شود، ناتوانی از تقلیل دیون دولت و کمبود موازنه پرداخت ها، کاهش سرمایه‌گذاری با آوار در داخل، احتمال ادامه افزایش سرمایه‌گذاریهای جمهوری فدرال آلمان در خارج.

"اکنونیست" می‌نویسد که دهه سالهای هشتاد "بزیای جمهوری فدرال آلمان ظاهراً در جهتی یاس انگیز آغاز شده است."

بنوشته این هفته نامه، گراف لمبردروف، وزیر اقتصاد آلمان غربی، سه هفته پس از انتخابات فدرال اذعان کرده: "دیگر نمیتوان مطمئن بود که اقتصاد (این کشور) در سال ۱۹۸۱ اصلاً رشدی داشته باشد."

کارنامه ۱۸ ماهه ...

بقیه از صفحه ۳

یاری اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی را به سود خود بدانند. به همین دلیل دولت موقت لیبیال - ها، با تمام قوا کوشید تا "خو سوطن و عدم اعتماد" را که رژیم پهلوی ۵۰ سال میان ایران و اتحاد شوروی پدید آورده بود، حذف کند و اگر بتواند، تشدید کند.

به پیروی از همین سیاست "نه شرقی، نه غربی، فقط غربی" بود که امپریالیسم آمریکا توانست حلقه محاصره نظامی خود را بر گرد ایران کامل کند و با هیچ اعتراضی از جانب لیبیالها مواجه نشود، به پیروی از همین سیاست بود که طی حاکمیت لیبیال - ها، راه نفوذ و رسوخ غارتگرانه و مداخله اسارت‌گرانه امپریالیسم آمریکا در ایران نه تنها مسدود نشد، بلکه، به نتایج وخیم و خطرناکی برای انقلاب ایران نیز منجر گردید.

سیاست "نه شرقی، نه غربی، فقط غربی"، لیبیال‌ها و پیروی پیگیر آنها از خط بزرزینسکی، کار را به جایی رسانید که روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی، حتی به سطحی پایین‌تر از دوران پیش از انقلاب، نزول کرد.

روزنامه "انقلاب اسلامی" در ۲۶ مهر ۵۸ نوشت:

"دولت آمریکا به طور متوسط روزانه ۷۵۰ هزار بشکه نفت خام از ایران می‌خرد و بلافاصله پس از راه افتادن و از سر گرفتن صادرات نفت، قسمت خریداری شده به توسط آمریکا در صدر جدول صادراتی ایران قرار داشت. صادرات نفت ایران به آمریکا، از اول مارس ۱۹۷۹ شروع شد و اکنون، طبق گزارش روزنامه لوموند، ۴ اکتبر ۱۹۷۹، مقدار نفت دریافتی آمریکا از ایران به حالت قبل از انقلاب رسیده است. (یعنی ۹٪ واردات نفتی آمریکا).

دولت آمریکا در عوض همچنان روابط عادی بازرگانی خود را با ایران حفظ کرده است. از آنجمله آمریکا گندم و برنج و حتی نفت

سفید به ایران می‌دهد و اصولاً به جز قراردادهای نظامی نمی‌توان گفت که بازرگانی عادی ایران با آمریکا لطمه دیده باشد.

اگر چه دولت آمریکا مدت ۸ ماه است که نفت خام از ایران دریافت می‌کند، ولی کشور شوروی به عکس پس از پیروزی انقلاب تا کنون هنوز گاز دریافت نکرده است. اعمال چنین سیاستی، یعنی عدم صادرات دوباره گاز به شوروی، بسیار خوشایند آمریکاست، چه در روزگاری که ساله انرژی به صورت حاد حتی برای بلوک شرق نیز مطرح است، چنین فشاری عملاً به شوروی حتی در زمان شاه هم امکان پذیر نبود!

عجیب به نظر می‌رسد که ایران عملاً پس از انقلاب روابط بدتر با بلوک شرق داشته باشد.

در پایان این بخش مفید است که ارزیابی سیاست خارجی دولت موقت را از زبان صادق قطب‌زاده، یعنی کسی که قریب دهه‌ها - از زمان سقوط دولت موقت تا پایان کار شورای انقلاب - وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی بود، بشنوم. قطب‌زاده در ۱۴ مهرماه ۵۸، در مورد وضع سفارتخانه‌های ایران در دوران دولت موقت گفت:

"موضوع، وضعیت سفارتخانه‌های مهم ایران در کشورهای خارجی است. ما الان در کشورهای مهم دنیا جز در روسیه یا اصلاً سفیر نداریم و یا اگر سفیر داریم، مورد ایزاز می‌باشد. در کشورهایی که سفیر نداریم، کارها به عهده کاردار سفارتخانه سپرده شده و یا کارها مختل است... در اکثر کشورهای عربی و خلیج فارس ما اصلاً سفیر نداریم و امور سفارت در دست همان بازماندگان رژیم گذشته بوده و حتی بعضی از این سفارتخانه‌ها به مراکز توطئه علیه انقلاب درآمده است!" (انقلاب اسلامی، ۲۴ مهر ماد ۵۸) حال نوبت آقای صادق قطب‌زاده است. ببینیم او سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به کجا هدایت کرد؟! "

راه حل بحران از نظر آقای «بدین امید»

اگر راه حل «بحرانی» که آقای «بدین امید» در مقاله ای تحت عنوان «فرزاد مجلسی» ارائه داده، در روزنامه «انقلاب اسلامی» (۸ دی ۵۹) چاپ و منتشر شده بود، میشد آنرا شوخی تلقی کرد و از آن گذشت. ولی مقاله در روزنامه «انقلاب اسلامی» که منسوب به رئیس جمهور است، انتشار یافته و در نتیجه باعث حیرت است.

در مقاله ادعا شده است که: «شرایطی که در آئیم، بغایت بحرانی است» و اضافه شده است که: «بحرانی تر آن است که، همه و همه گروهها باید گامهای مختلف آن را بیاورند و کتف در کتف بیاورند که بحرانی است».

قبل از هر چیز باید با عرضی معذرت از آقای «بدین امید» گفت که: این دعوی با حقیقت و نیز تاکنون ما نشنیده ایم که همه گروهها آنرا بحرانی بدانند و این دعوی، تا آنجا که مایه داری، فقط یکبار، آنهم در آن بحث آزاد دوفرنی، کذایی تلویزیونی مطرح شد. تازه اگر پدیده های بحرانی هم دیده شود، در نتیجه فعالیت مخرب و نفاق افکنانه ضد انقلاب، لیرالها و مائوئیستهاست.

در مقاله همچنین ادعا شده است که: «جنگ با کاتر و یا ریگان، برخلاف گفته نخست وزیر، جنگ تن به تن نیست. جنگ برای بریدن وابستگی هاست و حال آنکه، در دوسال انقلاب وابستگی ها به غرب تشدید نیز شده اند. ما را چه میشود؟»

این دعوی نیز که گویا وابستگی به غرب تشدید شده، نه فقط با حقیقت وفق نمی دهد، بلکه حیرت انگیز است. اگر کسی این دعوی را بپذیرد، باید قبول کند که انقلاب ایران چیزی بدتر از دوران «آریامهر» بیاد آورده، در نتیجه، در مواضع مخالفت با انقلاب قرار گیرد. در واقع آقای «بدین امید» باید از خود سؤال کند که: «او را چه میشود؟»

در دوسال انقلاب، وابستگی به غرب نه فقط تشدید نشده، بلکه تشنه به ریشه این وابستگی وارد شده است: اردوی مستشاران نظامی و غیره - نظامی رانده شده، قرارداد اسارتگر نظامی - سیاسی دو جانبه ملغی شده، ایران از عضویت پیمان تجاوز کارانه سترو خارج شده، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول انجام گرفته و مردم ایران دشمن اصلی و همیشگی خود را در وجود امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، شناخته اند، همه تصمیمات در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و غیره در ایران، در ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران، نه فقط فارغ از اعمال نفوذ مستقیم غرب، بلکه اکثرا علیه غرب بر مبنای استقلال کامل اتخاذ می شود، بنا به رقم اعلام شده رسمی، ۳۳ درصد منابع کشور ملی شده اند، یعنی وابستگی سرمایه بزرگ صنعتی ایران باغرب بسیار تضعیف شده است... و روند قطع وابستگی به غرب در همه زمینه ها روز بروز با سرعت بیشتری ادامه دارد. چگونه است که آقای «بدین امید» قادر به دیدن آن اقدامات و این

کم بهره بود، تا به آسانی آلتشست صاحبان زور و قدرت و شعار قرار گرفت.

ولی آقای «بدین امید»، که عالم است و از علم بر بهره و صاحب روش علمی شناخت، نمی گوید که کدام عمل را «هل دادن ایران به آغوش همنایه شمالی» تشخیص داده است. شاید منظور ایشان قرارداد ترانزیت است که از روی «روش علمی شناخت» نمی یابستی بسته میشد، تا محاصره اقتصادی ایران قابل اجرا میگردید و بدین وسیله اثبات میشد که «ایران منزوی شده است» و برای رفع این انزوا لازم می آمد از روی «روش علمی شناخت»، راه بازگشت آمریکا از پنجره «سه جهانی» گشوده شود!

در حال از نظر آقای «بدین امید» اوضاع «بغایت بحرانی» است، چونکه «انقلابی اسلامی شده است، دولتی اسلامی بر سر کار آمده است، ولی در مسائل اساسی جامعه ابتدا دید توتنی عرضه نمی کند، برنامه عمل ندارد و بیشتر از آن بدبینی است که چرا برنامه عمل ندارد، زیرا شناخت علمی از واقعیات جامعه و جهان ندارد». و آقای «بدین امید»، که برخلاف دولت اسلامی، هم از واقعیات جامعه و هم از واقعیات جهان، «شناخت علمی» دارد، به حل «بحران» هم در جامعه و هم در جهان، می پردازد.

«شناخت علمی» آقای «بدین امید» کار ساده است. کافی است برخلاف دولت، که «امر صرفا ساده دیربای اقتصادی عرضه و تقاضا را غیر اسلامی میدانند»، این «امر صرفا ساده» را «اسلامی» دانست، تا «بحران» در جامعه حل شود!

زبان ساده یعنی: در جامعه ما - که هنوز بازرگانان کلان زمین داران بزرگ و محترمان و اردوی دلالان و واسطه ها وجود دارند و بر اساس «امر صرفا ساده دیربای اقتصادی عرضه و تقاضا» عمل میکنند - بگذاریم این زالوها زحمتکشان را بچینند؛ بگذاریم بکلمک «این امر صرفا ساده» دانا و بلا انتطاع مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعفتر شوند. نتایج این روند «دیربای اقتصادی» سرمایه داری در «نظام شاهنشاهی» بخوبی ظاهر شده بود. آقای «بدین امید» (بگذاریم) فقط میخواهد که این «امر صرفا ساده» استکبارپرور و مستضعف کش، «اسلامی» تلقی شود و بنام «اسلام» باقی بماند!

پس از اینکه آقای «بدین امید» بوسیله این

روند نیست و مدعی است که وابستگی به غرب تشدید شده است؟ دعوی آقای «بدین امید» که وابستگی به غرب تشدید شده، قاعدتا برای اثبات وجود «بحران» خیالی است.

و اما جنگ با کاتر و ریگان، که برای بریدن وابستگیهاست، برخلاف دعوی آقای «بدین امید» دقیقا به «جنگ تن به تن» تبدیل شده است. مگر ما اکنون با آمریکا در جنگ واقعی، در جنگ تن به تن نیستیم؟ مگر رهبرانقلاب و همه مقامات مسئول: رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس شورای اسلامی، مکرر تصریح نکرده اند که عراق مجسری دستور آمریکا است و این آمریکا است که به دست صدام بر کشور ما حمله نظامی کرده و ما با آمریکا در جنگیم؛ وانگهی، اگر وابستگیها به غرب تشدید شده بود، مگر معلوم نیست که آمریکا دیگر نیازی به تحمیل جنگ و طرح و اجرای انواع توطئه ها برای براندازی جمهوری اسلامی ایران نمی داشت، باین دلیل مورد قبول خود آقای «بدین امید» که «جنگ برای بریدن وابستگیها است». و اگر وابستگیها به غرب تشدید شود، مراد امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، حاصل است.

آقای «بدین امید» هیچ دلیلی برای اثبات دعوی «تشدید وابستگی به غرب» ذکر نکرده، مگر این سؤال:

«چرا لفظی فکر نکنیم که نکند اسیر القاء ایدئولوژی رفیق همنایه شمالی شده ایم؟» حیرت انگیز است. گوئی چماق «القائه ایدئولوژی»، به نظر برخی، برای تحمیل اراده، وسیله موثری آمده، حتی وقتی که کمترین ارتباطی به مطرح دعوا ندارد. ولی فرض کنیم که این دعوی بی ربط درست است که از طرف رفیق همنایه شمالی «القائه ایدئولوژی» شده، در این صورت این «القائه ایدئولوژی» چگونه باعث شده است که «وابستگی به غرب تشدید» شود!

آقای «بدین امید» بدنبال سؤال «چرا لفظی فکر نکنیم که نکند اسیر القائه ایدئولوژی رفیق همنایه شمالی شده ایم» می نویسد:

«بعضی کارها، بعضی گفته ها، جز هل دادن ایران به آغوش همنایه شمالی چه معنی دارد؟ همه کارها که عالمانه صورت نمی گیرد، کافی است جاهل بود و از ساز و کار تحول و تطور پدیده ها و از روش علمی شناخت و از علم

«امر صرفا ساده» مسئله «بحران» را در جامعه حل میکند، «از روی شناخت علمی» سراغ جهان می رود و با بهره گیری از علم، انقلاب اکبر را از تاریخ حذف میکند، روسیه تزاری و اتحاد شوروی را یکی میگرد و می نویسد: «روش از یک قرن و نیم آزموده های ننگین ترکمنچی و گلستان می گذرد، بحرانی که در آن موقع در ایران بود و بساعت ازین رفتن شیرازه های گشت که تعامیت ارضی کشور را حفظ میکرد. هجوم سازمان یافته قدرتهای شرق و غرب به ایران، ایرانی را از فکر و خلافت بزداشت و شد آنچه شد، و از مهالک محرومه ایران نمی یابی باقی نماند».

و برای احیاء «ممالک محرومه ایران» پیشنهاد میکند:

«در باره جمهوریهای اسلامی شوروی، که در زیر لوای کفر دست و پا می زنند، باید کاری کنیم. در حقیقت حمله به افغانستان، اگر نتوانیم، میتواند سر آغاز حمله به بلاد دیگر اسلام بگردد و اگر چنین می تواند سر آغاز فصلی نو برای ازین متغیر کردن روابط سلطه، افلا در مرحله اول در سطح خاورمیانه بگردند».

و زیر این نوشته را امضاء کرده است «بدین امید»!

«اتفاقا» بهمین «امید»، پرژنیسکی نیز سخاها از «روی شناخت علمی» یک روز قبل از طرح پیشنهاد آقای «بدین امید» در روزنامه «انقلاب اسلامی» همین توصیه را می کند!

پرژنیسکی (بنا به خبر خبرگزاری فرانسه و مندرج در شماره ۱۳شنبه هشتم دیماه روزنامه اطلاعات، در مصاحبه ای که در شبکه تلویزیونی آن بی. بی. سی آمریکا بعمل می آورد):

«باز دیگر از کلیه مسئولان ایرانی، صرف نظر از تمایلات سیاسی آنها، دعوت کرد که خوب توجه کنند ایران یک همنایه شمالی دارد، که پیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی تهدیدی برای حاکمیت ایران بونه است. «پرژنیسکی» اظهار عقیده کرد که استقلال ایران هنگامی که این کشور با آمریکا روابط حسنه ای داشت، بهتر حفظ میشد».

بنظر میرسد که بدینست آقای «بدین امید» از خود بپرسد که: «ما را چه میشود که «شناخت علمی» ما دقیقا منطبق بر «توصیه پرژنیسکی» است، که دلی برای «استقلال» آنچنانی ایران لک زده است؟!

ضمنا بدینست متذکر شویم که آقای «بدین امید» در مقاله مفصلی که در آن «مسائل اساسی» جامعه را طرح میکند، کمترین اشارهای به جنگی که آمریکا بوسیله صدام علیه ایران تحمیل کرده ندارد و حتی یکبار هم که شده نام آمریکا، دشمن اصلی خلق و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بر زبان قلم جاری نساخته است، مگر اینکه نوشته است:

«جنگ با کاتر و ریگان، برخلاف گفته نخست وزیر، جنگ تن به تن نیست! حالا این بار نوبت مست است که از آقای «بدین امید» بپرسیم که: «شمارا چه میشود؟»

این شرایط، امپریالیسم آمریکا بیشتر از هر زمان دیگری از پایگاههای داخلی خود، استفاده میکند. کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ، لیرالها، مائوئیستها و ساواکها در این شرایط سرکوشند، یا دامن زدن به اختلافات و ایجاد هرج و مرج در کشور، زمینه را برای اجرای توطئه هتم آمریکا آماده کنند. این توطئه ها یا مانند مورد ۲۳ دی، زیر نقاب «جبهه انتقام می» شود و یا مانند حوادث خونین ۶ دیماه در رشت، زیر نقاب «راست»، ولی واقعیت این است که علیرغم این نقابها، همه این توطئه ها از سرچشمه شیطان بزرگ - آمریکا، آب میخورد و سرخ آن بدست «سپاه» است. تنها هشجاری مردم و قاطعیت ارگانهای انقلاب است که می تواند با افشای این توطئه ها آنها را خنثی کند و عاملان این توطئه ها را بدست قانون بسپارد.

تا ساعت ۴ بعد از ظهر، نه از «انقلابیون دو آتش» خبری شد و نه از «توده ها» هائی که به «بازگشائی دانشگاه» دعوت شده بودند. در این ساعت سروکله افرادی پیدا شد که خبر میدادند استاد بازگشائی دانشگاه، مستکمل از گروهکهای آمریکائی - مائوئیستی (دیکاره)، راه کارگر، «زمیندگان» و... (دچار چند دستگی شده اند و نتوانسته اند درباره برگزاری تظاهرات در یک محل یا هم توافق کنند و ناچار تظاهرات در ۴ محل برگزار خواهد شد!

پس از این، ضد انقلابیون و گروهک های آمریکائی - مائوئیستی کوشیدند با تظاهرات موضعی در چند نقطه آشوب بیا کنند، که باز هم موفق نشدند. و باین ترتیب، خوشبختانه هشجاری مردم و قاطعیت ارگانهای انقلاب توطئه جدید ضد انقلاب را خنثی کرد.

توطئه ضد انقلاب...

پس از صبح ۱ از «توده های مردم خواسته بودند که برای حمایت از آنها، ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز، در مقابل دانشگاه تهران ازدحام کنند. مائوئیستها، که در ورق پاره های خود جمهوری اسلامی ایران را در «آستانه سرنگونی» تصویر می کنند، در روزهای گذشته با نصب اعلامیه های بدیوارهای اطراف دانشگاه، اعلام کردند که در این روز رژیم جمهوری اسلامی ایران سرنگون خواهد شد! آنها از مردم خواستند که برای سرنگونی «رژیم ضد خلقی» به آنها بپیوندند.

بدنبال اعلام روز ۲۳ دیماه برای «بازگشائی دانشگاه» نیروهای طرفدار انقلاب این توطئه را افشا کردند و ارگانهای انقلاب با هشجاری، ضمن فاش کردن این توطئه در نزد توده ها، از مردم خواستند که برای جلوگیری از درگیری، متانت انقلابی خود را حفظ کنند. ارگانهای انقلاب همچنین قائلانه

محاكمه گردانندگان «انقلاب فرهنگی» در چین

چنانکه قبلا نیز گزارش دادیم، چندی پیش دادگاه ویژه دیکن شروع بکار کرده که تنها در چین، بلکه در سراسر جهان، انظار مردم را به خود معطوف ساخت. تمویق چندین باره این دادرس علیه «گروهکهای هوادار لنینیست و چانگ کینگ» حاکم از آنست که این محاکمه در محافل رهبری چین نیز بحث انگیز بوده است. از دهنفری، کاکون، محاکمه شونده، نه نفر آنها زمانی اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بوده اند. علاوه بر این، همه آنها در انقلاب فرهنگی سالهای ۴۸-۱۳۴۵، بسرکردگی «ماتو تودون»، نقش مهمی ایفا کرده بودند.

لین یاتو، وزیر دفاع پیشین چین، که در سال ۱۳۴۸ بعنوان «وارث» ماتو اعلام گردید، در میان متهمان دیده نمیشود. میگویند که او پس از کودتایی نافرجام در سال ۱۳۵۰، بهنگام فرار بقتل رسید. بجای لین یاتو، پنج ژنرال سابق، که از جمله سوگلیهای نامبرده بودند، در برابر دادرسان ایستاده اند. یکی دیگر از متهمان بنام چن یو، منشی خصوصی ماتو است. اما نگاه ۸۰۰ «تاشاچی» دستچین شده این محاکمه بویژه «مجنوب» چانگ کینگ، بیوه ماتو و دیگر اعضاء باصطلاح «باند چهارقره»، یعنی یاتو ون یوان، ژانگ جونیائو و وانگ هوتگون شده است، که پس از مرگ ماتو تودون، از مقامات خود برکنار گردیدند.

این افراد متهم شده اند که چندین باره، از جمله نهمال پیش، نقشه قتل ماتو تودون را ریخته بوده اند. دادستان اعلام کرده است که در این دادگاه اتهامات سیاسی مطرح نیست، بلکه به «جرائم جنایی» رسیدگی میشود. بمقدمه ناظران بین المللی، با این نقشه کوشش بعمل می آید که ماتو، یعنی کارگردان واقعی نمایش

«انقلاب فرهنگی» و «اندیشه های» او، که ملهم این فصل تاریک تاریخ چین بشمار میروند، محفوظ بماند. هرچنانکه خود ماتو بود که نخستین بار اعلام داشت که «انقلاب فرهنگی» برای مقابله با «کسانی است که در درون حزب راه سرمایه داری را می پویند»!

این جمله آغاز تهاجم وسیعی بود علیه «حزب کمونیست چین»، نهادهای تودمائی - دمکراتیک، سازمانهای تودمائی و همه چیز و همه کس که مانعی در برابر مشی ماجراجویانه و عظمت طلبانه او بشمار میرفت. ماهیت «انقلاب فرهنگی» را میتوان در نابودی مهم ترین دستاوردهای زحمتکشان «جمهوری خلق چین»، از هنگام تاسیس این کشور خلاصه کرد. ماتو یکبار صریحا اذعان داشت:

«من بودم که این هاهو را براه انداختم!» چنانکه کینگ، همسر ماتو و معاون چن یو، که در آن هنگام رهبر «گروه انقلاب فرهنگی کمیته مرکزی» بود، یکی از برجسته ترین دستاران ماتو تودون، یعنی کارگردان اصلی «انقلاب فرهنگی» بشمار میرفت. او بود که «هوتگوهای بیگانه»، یعنی گروههایی از جوانان اوپاش را به حمله به مسئولان حزبی دولتی، کارگران، دهقانان و هنرمندان تسبیح میکرد. قربانیان «انقلاب فرهنگی» مورد فحاشی قرار میگرفتند، کتک میخوردند، مجبور می شدند که در ملاء عام «کلاه ننگ» برس بگذارند و بسیاری از آنها نیز بقتل رسیدند. برخی از آنان یارای مقاومت را در برابر اختناق نداشتند و خودکشی کردند. دادستان در کیفرخواست ۶۹ صفحه ای خود از ۳۴ هزار مورد قتل و ۲۲۷ هزار جرم سخن میگوید. از سوی دیگر، دنگ شیائو پینگ، دبیر کل پیشین و یکی از معماران کنونی کمیته مرکزی، چندی پیش، در دیداری

با مهبانان خارجی، از قلمی بس فزون تر را نام برد.

دشواری از این تخمین، زیادهای سنگین اقتصادی است، که بر اثر تعطیل بسیاری از موسسات تولیدی، ترابری و آموزشی در دوران «انقلاب فرهنگی» پدیدار شده است. میتوان گفت که این باصطلاح «انقلاب فرهنگی» در واقع زندگی فرهنگی چین را به رکود کشانید. بدستور چانگ کینگ و طبق نمونه فاشیستها در آلمان هیتلری، آثار برجسته ادبیات جهانی طعمه آتش کتابسوزان گردید. آهنگهای باخ و بتهوون بعنوان «موسیقی ارتجاعی» ممنوع اعلام شد.

چانگ کینگ، مانند هر چرمنش، مسعود برق آسایش را از نردبان «ترقی» مسدود «انقلاب فرهنگی» بوده است. وی تا اوایل سالهای ۶۰، یعنی پیش از آنکه ماتو یا او در یانان آشنایی یابد و یا او ازدواج کند، هنرپیشه ای بود تقریبا ناشناس. اما بعد از آنکه چانگ کینگ به عضویت گروه کداییسی «انقلاب فرهنگی» کمیته مرکزی درآمد و پس از آن به هتاد پروتوری، بریاست ماتو، پیوست، (این ستاره در سال ۱۳۴۷ ارگانه ای رهبری حزب و حکومت را غصب کرد و چنانستین آنها شد)، بخت او یکبار به بالا گرفت. چانگ کینگ، بدون آنکه پیش از آن عضو کمیته مرکزی بوده باشد، ناگهان در دوران «انقلاب فرهنگی» عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین شد.

سرعت ترقی دیگر «یاران» چانگ کینگ نیز چندان کمتر از خود او نبود. یاتو ون یوان، داماد ماتو، در سرمتله ای آغاز «انقلاب فرهنگی» را «توبه» داد. ژانگ جون گیائو، بعنوان رئیس «کمیته انقلاب شائگهای»، بزرگترین شهر چین را بمتابه «یشاهنگ» «انقلاب فرهنگی»

اعلام داشت و سپس به معاونت نخست وزیر و رهبر مدیریت سیاسی ارتش منصوب شد. وانگ هوتگون، آخرین نفری بود که به گروه نامبرده پیوست و «تپه» به مقام معاونت کمیته مرکزی نایل گشت.

محاكمه کنونی، که پس از تدارکات فراوان، آغاز شد، بری از تضادهای گوناگون و آشکار نیست. در این دادرسی نه تنها از نقش شخص ماتو کمتر سخن پیمان می آید، بلکه درباره کسان دیگری نیز، که کماکان سمت های مهمی را در دستگاه حزبی و دولتی ایفا کرده اند، توطئه سکوت حکم فرم است. از سوی دیگر، از آنجا که مبارزه بر سر قدرت در میان رهبران کنونی چین، هنوز هیچ روی پایان نپذیرفته است، باید انتظار داشت که این مبارزه بازتاب خود را در صحنه های دادگاه قلمی نیز بیابد.

از آنجا که بیشتر افرادی که امروز بر نیمکت متهمان نشسته اند، در زمان قدرت خود ناخشنودی و مخالفت خود را با هدمستی آشکار با امپریالیسم، کم و بیش اظهار داشته بودند، محاكمه حاضر محتملا موضع آن دست از رهبران چین را تقویت خواهد کرد، که خواستار همکاری هرچه بیشتر با امپریالیسم هستند. چنانکه از کیفرخواست دادستان برمی آید، حتی فکر بیبودی مناسبات با اتحاد شوروی نیز به عنوان «چنانچه ناپخشونی» محسوب میگردد. رهبران کنونی چین «انقلاب فرهنگی» را، از یکسو، - درست مانند کشورهای سوسیالیستی چهارده سال پیش - ماجراجویی ضد انقلابی می خوانند، ولی، از سوی دیگر چنانکه روند کنونی این دادگاه نشان میدهد، خود نیز حتی کام کوچکی بسوی حقیقت تاریخی برداشته اند.

در پی حملات گسترده نیروهای مسلح خلق، از صبح دیروز

اعتصاب عمومی درسراسر السالوادور آغاز شد

نیروهای مسلح انقلاب به حوالی پایتخت رسیده اند.

امپریالیسم آمریکا، برای مداخله مستقیم نظامی در السالوادور آماده شده است.

در حوالی پایتخت مستقر شده اند. چریکهای السالوادور همچنین اعلام کردند که در حمله به فرودگاه «ایلوواتگو» امور هوایی کشور را تقریبا فلج کرده اند.

در نیکاراگوئه، مردم انقلابی این کشور، که خود به تلذگی یکی از خونخوارترین رژیمهای سرسپرده آمریکای جنایتکار را سرنگون ساخته اند، با دید اعتراضیونالیستی بسه مبارزات خلق السالوادور می نگرند و از آن حمایت می کنند.

در مکزیک نیز احزاب سیاسی که در پارلمان نمایندگی دارند، خواستار قطع مناسبات میان مکزیک و السالوادور به سبب نقض فاحش حقوق بشر در این کشور، شدند.

امپریالیسم آمریکا، برای مداخله نظامی در السالوادور آماده می شود

از سوی دیگر، دارودسته مزدور السالوادور از اربابان آمریکائی خود خواسته است که کمکهای نظامی خود را به آنها افزایش دهند. مقام های پنتاگون بصورت طرحی مداخله نظامی مستقیم در السالوادور را آماده می کنند. در این طرح استفاده از نیروهای مسلح رژیمهای دیکتاتوری گواتمالا و هندوراس و افراد سابق کارد سوموزا، پیش بینی شده است. قرائن و شواهد آشکارا بیانگر این مطلب است که دولت کارتر، قبل از کنار رفتن، قصد وارد آوردن ضربه نظامی به انقلابیون السالوادور را دارد. اکنون ناو گروه نیروی دریائی آمریکا، مرکب از ۸ ناو جنگی، در امتداد سواحل السالوادور رقت و آمد می کنند و واحدهای تفنگداران دریائی آمریکا، به حالت آمادگی در آمده اند. مطبوعات آمریکا بر پرده می نویسند که دولت آمریکا قصد دارد برای نخستین بار پس از جنگ ویتنام، از نیروهای مسلح آمریکا، در السالوادور استفاده کند. مقام های پنتاگون نیز اعلام کرده اند که یک اسکادران هلی کوپتر و دهها مستشار نظامی دیگر به السالوادور گسیل خواهند داشت.

در همین حال، سرفرماندهی جبهه آزادی ملی، ضمن هشدار به تمام کشورهای جهان در مورد قصد امپریالیسم آمریکا در مورد هجوم مسلحانه مستقیم نظامی به این کشور، اعلام کرده است:

«مردم السالوادور عزم راسخ دارند که مبارزه عتلاخ خود را تا پیروزی کامل ادامه دهند.»

نیروهای مسلح جبهه آزادیبخش ملی السالوادور «فراپوندو» مارتی» و جبهه دمکراتیک انقلابی، که دو سازمان اصلی رهبری کننده مبارزات مردم السالوادور هستند، ۴۸ ساعت پس از آغاز تهاجم وسیع و همجانبه علیه دارودسته فاشیست سرسپرده آمریکا در این کشور، اعلام اعتصاب عمومی کردند. این اعتصاب که از بامداد دیروز آغاز شد و تا سرنگونی دارودسته فاشیست حاکم بر کشور ادامه خواهد داشت، بدنبال پیروزیهای نظامی اخیر این نیروها صورت گرفته است. جبهه دمکراتیک انقلابی، اعلام کرده است که چریکهای السالوادور شهرهای «سوشی توتو» و «چالانتاکو» در شمال غربی «سان سالوادور» را تصرف کرده اند و شهر «سان میگوئل» در غرب کشور و همچنین یادگان «ال پلریزو»، که ۵۰۰ تن از گاردهای سابق سوموزا، دیکتاتور سابق نیکاراگوئه، در آن بسر می برند، را به محاصره خود در آورده اند. به گزارش «جبهه دمکراتیک انقلابی» چند شهر مهم که نبرد در آنها ادامه دارد، در دست چریکهاست و گروه عظیمی از قیام کنندگان

امپریالیسم آمریکا، مقاصد سلطه جویانه خود را پنهان نمی کند!

روابط خارجی این کشور، از افزایش حضور نظامی آمریکاد در خلیج فارس حمایت کرد. هیچ گفته است:

«در صورت لزوم آمریکا باید بطور یکجانبه و حتی بدون شرکت متحدان خود، اتمام جریان نفت را تصمین کند.» سخنان این بزرگ چلاد انتصارات اسلحه سازی آمریکا، بازدیگر مقاصد ضدبشری و استیلاگرانه امپریالیسم آمریکا را در منطقه خلیج فارس و دریای عمان و نیز در تمام دنیا نشان می دهد.



در جریان دیدار سه نماینده انگلیسی تبلیغات امپریالیستی درباره افغانستان افساء شد

تبلیغات رسانه های گروهی امپریالیستی درباره باصطلاح مسئله افغانستان به آنچنان سطح پوچ و براباسی رسیده که اکنون تنها موجب خنده و تفریح می شود. ۳ نماینده حزب کارگر انگلیس، که از افغانستان دیدن میکنند، با عبدالرشید آریان، معاون نخست وزیر افغانستان (که بنا به گزارش رسانه های گروهی، گویا به پاکستان فرار کرده بود!) ملاقات کردند. نمایندگان حزب کارگر، در پایان این ملاقات، از گزارشهای خبرگزاری های امپریالیستی در باره افغانستان افسراز انزجار کردند!

فدراسیون سندیکائی جهانی:

پیشرفت اجتماعی، بدون پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، غیر ممکن است

فدراسیون سندیکائی جهانی در بیانیه ای در پراگ اعلام کرد: همکاری میان اتحادیه های کارگری ایزار نیرومند در مبارزه طبقه کارگر در راه پیشبرد دامنه تشنج زدائی، خلع سلاح و امنیت در اروپا و سراسر جهان بشمار می رود. در این بیانیه، فدراسیون سندیکائی جهانی حمایت کامل خود را از تصمیم سازمان ملل متحد در مورد نامگذاری دهه ۱۹۸۰ بعنوان «دهه خلع سلاح» اعلام و تاکید کرد: «پیشرفت اجتماعی، بدون پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، غیر ممکن است.»

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 419
14 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران